NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۴
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

پایان تعلیق با جنگ بی‌جغرافیا



پیرامون تداوم وضعیت «نه جنگ و نه صلح» و چرایی باقی‌ماندن احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران، دکتر مهدی جمشیدی، جامعه‌شناس و فعال فرهنگی، معتقد است فقدان بازدارندگی مؤثر، ریشه اصلی تداوم این وضعیت تعلیقی است؛ وضعیتی که به باور وی، با رویکرد آتش‌بس و مذاکره نه‌تنها پایان نیافته، بلکه به مواجهه‌ای فرسایشی تبدیل شده است. دکتر جمشیدی در یادداشتی برای روزنامه «نوبنیاد» به بررسی راه عبور از این وضعیت پرداخته است.

۳



پایگاه‌های دوردست را هم می‌زنیم

دبیر شورای عالی امنیت ملی هشدار داد که هرگونه حماقت و حمله جدید آمریکا و رژیم صهیونیستی با پاسخی فرامنطقه‌ای مواجه خواهد شد

۷

رقیق سازی اورانیوم حمله اتمی را قطعی می‌کند

امیرحسین ثابتی
نماینده مجلس شورای اسلامی

جزئیات پیشنهادات میانجی‌ها به ایران برای شروع مذاکرات هسته‌ای شامل رقیق‌سازی اورانیوم ایران، باز شدن تنگه هرمز و بازگشت جاسوسان آژانس به مراکز اتمی کشورمان است!
طبیعتا پذیرش چنین مطالبات زیاده‌خواهانه‌ای آن هم پس از شهادت رهبر معظم انقلاب یک شکست بزرگ برای ملتی است که ۲۵۰ شب در برابر دشمن مقاومت کرده و اولین نتیجه‌اش ناکامی معنادار جریان ترامپ و نتانیاهو در انتخاباتهای اخیر بود.

متن کامل در صفحه ۳



گزارش نوبنیاد از سفرهای پرتعداد پزشکیان در شرایط جنگی؛

۲۰ روز سفر خارجی در ۷۰ روز

۲



نوبنیاد با توجه به هشدار خضریان گزارش می‌دهد؛

هلدینگ غدیر؛ قربانی یک انتصاب پرحاشیه

۴

بین الملل | صفحه ۶

وخامت سیاسی در تل‌آویو

انتخابات ۲۷ اکتبر نه نتانیاهو را به اکثریت رساند و نه برای گادی آیزنکوت راهی هموار گشود. نخست‌وزیر موقت در پشت پرده برای جلوگیری از پیوستن حریدی‌ها به رقیب تلاش می‌کند و مخالفان نیز بر سر ائتلاف با احزاب عربی و مذهبی اختلاف دارند.

اقتصادی | صفحه ۵

امنیت غذایی قربانی وعده‌های دولت

بیش از ۴ میلیارد یورو از مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی، در حالی پرداخت نشده که دولت متعهد به تأمین ارز این بخش بوده؛ بدعهدی‌ای که با زمین‌گیر کردن سرمایه در گردش بیش از ۷۵۰ شرکت زنجیره تأمین کالاهای ضروری را با تهدید مواجه کرده است.

خبر کوتاه

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت دو نویسنده و هنرمند جبهه انقلاب

حضرت آیت‌الله سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظّم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت نویسنده متعهّد و انقلابی آقای «منصور انوری» و همچنین هنرمند متعهّد و انقلابی، آقای «کوروش زارعی» را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر معظّم انقلاب در خصوص نویسنده متعهّد و انقلابی آقای «منصور انوری» به این شرح است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم؛ درگذشت جناب آقای «منصور انوری» نویسنده متعهّد و انقلابی موجب تاسّف گردید. آن مرحوم با خلق آثار متعدّد از جمله رمان دوازده جلدی «جاده جنگ» که مورد توجّه و تحسین امام مجاهد شهید قرار گرفت، دِین خود را به انقلاب اسلامی ادا کرد. اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده ایشان و جامعه ادبی کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش، مغفرت و اجر الهی مسئلت می کنم. سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۲۰ آبان ۱۴۰۵

همچنین پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت هنرمند متعهّد و انقلابی آقای کوروش زارعی به این شرح است: بسم‌الله الرّحمن الرّحیم؛ درگذشت جناب آقای «کوروش زارعی» هنرمند متعهّد و انقلابی کشور موجب تاسّف شده است. فعالیت های بی وقفه آن مرحوم در گسترش هنرهای نمایشی در شهرها و مناطق کمتر برخوردار کشور و پایمردی او بر ارزش های انقلاب اسلامی تحسین برانگیز بود. اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده ایشان و جامعه هنری کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و اجر الهی مسئلت می کنم. سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۲۰ آبان ۱۴۰۵

شکست تجهیزات پدافندی پرمدعای غربی در برابر اراده و فناوری ایرانی

سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا در پیامی به سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: نیروی هوافضای سپاه پاسداران در هم افزایی و همراهی با سایر ارکان صنعت دفاعی و نظامی میهن عزیز با تکیه بر نبوغ نخبگان ایرانی و ایمان راسخ رزمندگان، مسیر خودکفایی را از صفر تا صد پیموده و نیاز کشور به بیگانگان و واردات تسلیحات را پایان بخشیده است، به گونه‌ای که ایران مقتدر هم اکنون از جایگاه خریدار تسلیحات به قدرت برتر تولیدکننده و صادرکننده تجهیزات راهبردی ارتقا یافته است. آنچه در میدان واقعی نبرد به ویژه طی یک و نیم سال اخیر به اثبات رسید، شکست تجهیزات پدافندی پرمدعای غربی در برابر اراده و فناوری ایرانی بود؛ سامانه های پیشرفته دشمن آمریکایی-صهیونیستی برابر سرعت، مانورپذیری و قابلیت های موشک‌ها و پهپادهای ایرانی ناکارآمد و فلج شدند، وتاب‌آوری صنایع موشکی و پهپادی کشور نیز به سطحی رسیده است که امکان تداوم بی وقفه ساخت سلاح حتی زیر آتش و بمباران سنگین دشمن فراهم شده و خطوط تولید در اعماق زمین و تونل های زیرزمینی به افزایش دارایی های دفاعی و نظامی کشور می پردازد؛ قابلیتی که تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهد داد دشمن چرخه ساخت، ارتقا و نوسازی سلاح های ما را متوقف سازد.

وی افزود: در این رهگذر از جانبالی وتمامی فرماندهان، دانشمندان، متخصصان و رزمندگان نیروی هوافضا که با روحیه جهادی و اعتقاد راسخ، امنیت واقتدار ایران اسلامی را در بالاترین سطح تضمین کرده اند و موجبات اعتماد، اطمینان و حمایت ملت مبعوث شده و خونخواه امام شهید و دیگر شهیدان مظلوم از نیروهای مسلح این سرزمین را رقم زده اند، صمیمانه قدردانی می نمایم

سرلشکر عبداللهی تاکید کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در انجام اجرای تدابیر فرامین مقام عظمای ولایت و رهبری و فرمانده معظم کل قوا حضرت امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مد ظله العالی) لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد و هر نقطه‌ای که کانونی برای تهدید علیه موجودیت نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد، هدف مستقیم عملیات نامتقارن قرار خواهد گرفت.

سفرهای پرتعداد پزشکیان در شرایط جنگی و همزمان با تشدید مشکلات اقتصادی، هنوز خروجی ملموس و اثرگذاری از آن‌ها برای افکار عمومی تشریح نشده است

۲۰ روز سفر خارجی در ۷۰ روز

رئیس جمهور در حالی طی حدود ۷۰ روز گذشته ۷ سفر خارجی داشته و بیش از ۲۰ روز را خارج از کشور سپری کرده که کارنامه او در همین بازه، هیچ سفر کاری داخلی را ثبت نکرده است؛ سفرهای پرتعدادی که در شرایط جنگی و همزمان با تشدید مشکلات اقتصادی، گرانی ارز و ابهام درباره منابع کالابرگ، هنوز خروجی ملموس و اثرگذاری از آنها برای افکار عمومی تشریح نشده است.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

رئیس جمهور از ۷ شهریور تا امروز به قرقیزستان، هند، آمریکا، ترکمنستان، ارمنستان، روسیه و ترکیه سفر کرده و مجموعا در طی ۷۰ روز گذشته، بیش از ۲۰ روز را در خارج از ایران به سر برده است. مسئله ای که در هیچ یک از ادوار گذشته ریاست جمهوری سابقه نداشته است و پزشکیان را به رکوردار سفرهای خارجی آنهم در دوران رکورد قیمت ارز (و به تبع آن هزینه سرسام آور سفرهای خارجی) بدل کرده است. به گونه‌ای که در مدت ۷۰ روز؛ ۹ سفر خارجی، ۰ سفر داخلی در کارنامه پزشکیان ثبت شده است.

گفتنی است که ماجرا آنجایی جالب می‌شود که پزشکیان در همین مدت هیچگونه سفر کاری داخلی در برنامه خود نداشته و تنها در یک سفر زیارتی به مشهد مقدس رفته است!

در این میان این پرسش ایجاد میشود که سفرهای پرتعداد و بی نتیجه رئیس جمهور به خارج از کشور در عرض ۲ ماه، آنهم با وجود مشکلات متعدد اقتصادی که مردم کشورمان با آن دست و پنجه نرم می کنند، چه ضرورتی دارد؟ جالبتر آنکه وزیر خارجه بعنوان متولی حوزه دیپلماسی در ایام مذکور بجز همراهی رئیس جمهور در سفرهای خارجی، شخصا فقط ۳ سفر به چین، عراق و ترکمنستان داشته است.

اگرچه عمده این سفرها به منظور مشارکت در اجلاسها بوده است، اما ضروری است رئیس جمهور و دفتروی اولا دستاوردهای این سفرهای متعدد و حضور در اجلاسها را تشریح کنند. ثانیا پاسخ دهند آیا معاون اول یا سایر مقامات دولتی نمی توانستند به جای پزشکیان در برخی از این اجلاسها حضور پیدا کنند تا وی در شرایط حساس جنگی هر ۱۰ روز یکبار به مدت چند روز کشور را ترک نکند؟ همانگونه که بسیاری از کشورها، شخصی غیر از رئیس دولت را راهی این نشست ها کرده اند. یا حداقل به مناطق دیگری از کشور بازدیدی داشته باشد و دردی از مشکلات مردم را دوا کند؟ ممکن است گفته شود حضور در این اجلاس ها فرصتی برای رایزنی با مقامات سایر کشورهاست، که البته مسئله درست و مهمی است اما باید به این نکته هم اشاره کرد که عمده شرکت کنندگان در اجلاسهای فوق الذکر چند کشور تکراری هستند (چین، روسیه، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و ...) و عملا دیدار چندباره با آنها در فرصتی کوتاه هیچ اهمیت و ضرورتی ندارد.

بنابراین، در شرایط کنونی و با توجه به موقعیت جنگی کشور، حداقل انتظار از رئیس جمهور این است که از سفرهای متعدد اما بی حاصل خود جلوگیری کند؛ به‌ویژه اینکه در شرایط فعلی، رسیدگی به مسئله پرابهام کالابرگ‌ها و ناعدالتی هایی که خواسته یا ناخواسته به مردم در سراسر کشور تحمیل شده، بی‌گمان اهمیت بیشتری از سفرهای بی‌نتیجه خارجی دارد. کما اینکه در شرایط کنونی، سفرهای ضروری داخلی به استان‌ها و رسیدگی به امور و مشکلات اقتصادی مردم نیز بسیار حائز اهمیت است. از سوی دیگر مسئله هزینه این سفرها قابل تامل است. چراکه این سفرها با دلار ۲۷۰ هزار تومانی بسیار پرهزینه ترشده است. پزشکیان که مدام از کمبود منابع مالی گلایه می کند، بایستی در شرایط جنگی علاوه بر خودش، سفرهای خارجی پرهزینه سایر مقامات دولتی را هم مدیریت کند. نمیشود که زندگی برای مردم متناسب با شرایط جنگی گذرانده شود و برای دولت چهاردهم متناسب با شرایط معمولی و لو فراتر از آن! مهمترین انتقاد به سفرهای متعدد رئیس جمهور و همراهان او به خارج از کشور، عدم مشاهده و درک یک خروجی ملموس واثرگذار است. همانند سفری که اخیرا دبیرشعام به روسیه داشت. سرلشکررضایی بعد از این سفر از یک رخداد مهم مبنی بر همکاری گازی با کشور روسیه خبر داد که میتواند در شرایط کنونی برکات زیادی برای کشور داشته باشد. اما از سفرهای پزشکیان چنین چیزی قابل درک نیست یا حداقل میتوان گفت این مشکل از خود پزشکیان یا روابط عمومی دولت است که نتایج موثر سفرهای او و تیم وزارت خارجه بر منافع ملی را برای مردم بازگو نمی کنند.

بودجه سفر خارجی هست، اما بودجه کالابرگ نه!

اخیرا دولت چهاردهم در تازه ترین اقدام خود برای بازنگری در فهرست مشمولان کالابرگ، گروهی از مردم از دریافت این حمایت حذف شده‌اند؛ با توجه به سفرهای متعدد پزشکیان و هزینه‌های بالای آن، این پرسش مطرح است که چگونه می‌شود که برای کمبود بودجه بایستی یارانه خانواده ها قطع گردد اما برای سفرهای پرتعداد مقامات دولت چهاردهم نه! از این رویکرد دولت این معنا برداشت می‌شود که به صورت غیرمستقیم هزینه این سفرها از قطع یارانه مردم تامین میشود! با یک حساب سرانگشتی و احتساب ۲۰ روز سفر خارجی رئیس جمهور و هیئت همراه وی (وزرا، مسئولان دفتر، تشریفات، حفاظت، رسانه و..) که حداقل ۶۰ نفر خواهند بود و میانگین ۱۰۰ یورو حق ماموریت (با توجه به تفاوت جایگاه همراهان) براساس قیمت امروز (هر یورو ۲۹۰ هزار تومان) تنها حق ماموریت همراهان رئیس جمهور حداقل ۳۵ میلیارد تومان خواهد بود. این جدای از هزینه های اجاره هتل، حمل و نقل، تغذیه، سوخت هواپیما و ... است.

سیاسی

انتقاد زنگنه از سفرهای زیاد و پرهزینه مسئولان دولتی به خارج از کشور



اخیرا محسن زنگنه نماینده مجلس گفته بود چرا در حالیکه حق ماموریت رزمندگان در خط مقدم تنگه هرمز روزانه ۷۰۰ هزار تومان است، به مدیران دولتی تا ۱۳۰ دلار (یورو) روزانه حق ماموریت داده می شود؟ زنگنه با انتقاد از تفاوت چشمگیر حق مأموریت نیروهای مسلح با مدیران و مسئولان دولتی در سفرهای خارجی، اظهار کرد: جالب است برای فردی که در جایگاه سازمانی سرتیپی قرار دارد، نه از نظر درجه نظامی، بلکه از نظر جایگاه خدمتی، حق مأموریت روزانه در چنین شرایط سختی تنها ۷۰۰ هزار تومان است؛ این در حالی است که یک مسئول، کارشناس، معاون وزیر یا وزیر هنگام اعزام به سفر خارجی، از بلیت هواپیما که گاهی بیزینس‌کلاس است تا اقامت در بهترین هتل‌ها و تأمین هزینه‌های ناهار و شام برخوردار می‌شود و علاوه بر همه این امکانات، روزانه ۱۳۰ دلار نیز به‌عنوان فوق‌العاده مأموریت دریافت می‌کند که معادل حدود ۳۶ میلیون تومان است. وی با طرح این پرسش که چگونه می‌توان چنین تفاوتی را برای نیروهای مسلح توجیه کرد، گفت: واقعاً چه پاسخی برای نیروی مسلحی داریم که در سخت‌ترین شرایط مرزی کشور خدمت می‌کند، اما دریافتی روزانه مأموریت آنها با پرداختی یک مدیر در سفر خارجی چنین فاصله‌ای دارد؟

وی در ادامه خطاب به رئیس جمهور گفت: آقای رئیس جمهور، اینکه هنگام ورود به اتاق کارتان، برق را خاموش می‌کنید و برای جلوگیری از مصرف انرژی، اقدامات عملی انجام می‌دهید، حتما این رویکردتان بسیار ارزشمند است؛ اما آیا یک‌بار محاسبه کرده‌اید که همین دولت در همین ایام جنگ، چه تعداد از مدیران و مسئولان را به سفرهای خارجی اعزام می‌کند و چه میزان ارز در این سفرها هزینه می‌شود؟ حتی در جریان این سفرها، مبالغ ارزی به‌صورت روزانه و در قالب هزینه مأموریت به افراد پرداخت می‌شود. چرا برای کاهش این هزینه‌ها اقدامی نمی‌کنید؟

جلیلی: دشمن با طرح پیشنهادهای مکرر مذاکره می‌خواهد اراده ملت را متزلزل کند



سعید جلیلی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در جلسه اخیر حکمت سیاسی اسلام در قرآن، به تبیین نگاه قرآن به موضوع فریب دشمن پرداخت و اظهار کرد: دشمن در کنار جنگ نظامی، با فریب و نیرنگ و طرح پیشنهادهای مکرر مذاکره تلاش می کند اراده ملت را متزلزل کند؛ در حالی که تجربه نشان داده حتی در میانه مذاکرات نیز دست به حمله می زند. این همان مکر و محاسبه‌ای است که دشمن تصور می کند با آن می تواند همه چیز را مطابق نقشه خود پیش ببرد؛ وی افزود: یکی از الزامات حرکت در مسیر حق، حفظ ثبات قدم در برابر نقشه‌ها و فریب‌های دشمن است. قرآن کریم در ماجرای فرعون می‌فرماید: «فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه توضیح می دهند که منظور از روی‌گرداندن فرعون، این است که او پس از پایان مذاکره، تمام ابزارها و امکانات فریب خود را فراهم کرد و سپس برای اجرای نقشه‌اش وارد میدان شد. این تعبیر نشان می دهد که دشمن برای رسیدن به اهداف خود، صرفاً به رویارویی مستقیم اکتفا نمی کند، بلکه با طراحی و به‌کارگیری ابزارهای فریب نیز به میدان می آید.

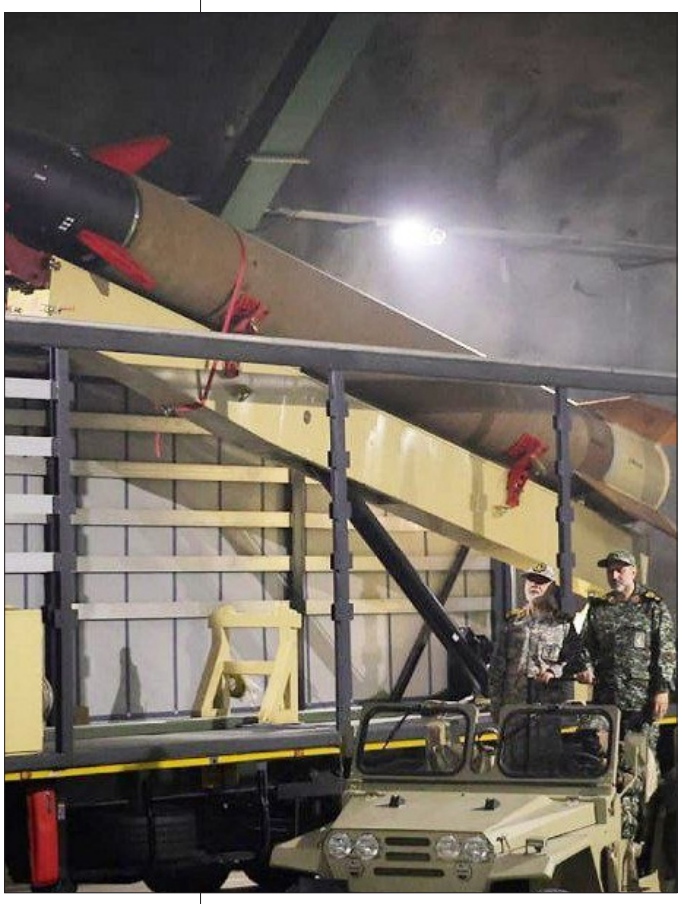
جلیلی در ادامه با اشاره به ماجرای تاریخی ابولبابه که از سمت پیامبر برای انتقال پیام به قبیله یهودیان رفته بود، گفت: ابولبابه پس از بازگشت متوجه شد که رفتار او، در جایگاه نماینده پیامبر، ممکن است به دشمن اطلاعاتی بدهد و زمینه سوءاستفاده آنان را فراهم کند. نماینده رهبر انقلاب با توجه به همین ماجرا هشدار داد: این ماجرا یادآور آن است که مسئولیت در عرصه سیاست خارجی و انتقال پیام، امانتی مهم است و هرگونه رفتار و موضع‌گیری در این عرصه باید با دقت و توجه به پیامدهای آن صورت بگیرد.

دکتر مهدی جمشیدی از بن بست بازدارندگی و تداوم وضعیت نه جنگ و نه صلح می‌گوید

پایان تعلیق با جنگ بی جغرافیا

پیرامون تداوم وضعیت «نه جنگ و نه صلح» و چرایی باقی‌ماندن احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران، دکتر مهدی جمشیدی، جامعه‌شناس و فعال فرهنگی، معتقد است فقدان بازدارندگی مؤثر، ریشه اصلی تداوم این وضعیت تعلیقی است؛ وضعیتی که به باور وی، با رویکرد آتش‌بس و مذاکره نه‌تنها پایان نیافته، بلکه به مواجهه‌ای فرسایشی تبدیل شده است. دکتر جمشیدی در یادداشتی برای روزنامه «نوبنیاد» به بررسی راه عبور از این وضعیت پرداخته است.

دکتر مهدی جمشیدی
عضو هیات علمی دانشگاه



۱. «آیا آمریکا به ایران حمله خواهد کرد؟» چرا این پرسش، همچنان موضوعیّت دارد؟ چون با وجود دو جنگ تحمیلی، هنوز «بازدارندگی» ایجاد نشده است؛ یعنی سودای تهاجم نظامی به ایران، از ذهنیّت سیاست‌مداران آمریکا، پاک نشده است. مقاومت ایران در دو جنگ پیشین، توانسته در ذهنیّت دشمن، «تردید/تزلزل/نگرانی» ایجاد کند، اما نتوانسته این نوع مواجهه را «ممتنع/بن‌بست/احمقانه» تصویر کند. ایران در دو جنگ پیشین می‌توانست تصویر یادشده را تولید کند، اما غلتیدن به روند نامعقول «آتش‌بس» و «مذاکره»، این امکان را برچید. آن دو جنگ در متن خویش، از چنین قابلیّتی برخوردار بودند که «یک‌بار برای همیشه»، گزینهٔ جنگ با ایران را از روی میز سیاست‌مدارن آمریکا حذف کنند، اما ایران از این فرصت بهره نگرفت. به همین دلیل، ایران همچنان باید در انتظار جنگ دیگری باشد که از راه خواهد رسید. ایران، جنگ را در نیمه رها کرد و گمان کردکه به «نقطهٔ پایانی» رسیده و می‌تواند با خیال آسوده، به آتش‌بس و مذاکره رو آورد و به جنگ، پایان بدهد.

۲. این تخیّل موهوم، برآمده از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری لیبرال‌های ایرانی بود که در دولت و مجلس و شعام، قدرت را در اختیار داشتند و دارند. بیش از هر کسی، شخص رئیس دولت، به عامل فشار برای روآوردن به آتش‌بس و مذاکره تبدیل شد و مسیر غلط را انتخاب کرد. وی، نه از اعتماد به آمریکا در ماجرای پس از ترور اسماعیل هنیه درس گرفت، و نه از دو جنگ پس از آن. در هر برهه، رئیس دولت و البته وزیر خارجه‌اش، کوشش کرد چراغ مذاکره را روشن کند تا به وضعیّت «نه جنگ، نه صلح» پایان بدهد؛ درحالی که این سیاست، به تداوم وضعیّت یادشده انجامید و ایران را درگیر مواجههٔ فرسایشی کرد. در هر مقطع نیز، وی ناکام ماند و آمریکا، عهدشکنی کرد. حتی با وجود این حجم از تجربه‌های تلخ و تاریک، همچنان رئیس دولت، سخن از مسیر مذاکره می‌گوید و از فریب خوردگی و ساده‌سازی و اعتماد، روگردان و پشیمان نشده است. این چرخهٔ ناموجّه، بضاعت و ظرفیّت‌های ملّی ایران را دچار فرسایش کرد و موقعیّت‌های تاریخی و مؤثّر را برای بازدارندگی از ایران گرفت. حقیقت این است که تشخیص‌ها و مواضع رئیس دولت، اصلی‌ترین مولّدِ وضعیّت «نه جنگ، نه صلح» هستند.

۳. باید از خویشتن‌داری‌های سیاسی کارانه و مبتنی بر امکان خروج از جنگ به‌واسطهٔ مذاکره، دست کشید و هرچه سریع‌تر به نقطهٔ پایان منازعهٔ نظامی رسید؛ این «نقطهٔ پایان»، مذاکره نیست، چون مذاکره، همچون یک مسیر «بی‌پایان» و «چرخه‌ای» عمل می‌کند و ایران را همچنان در تعلیق نگه می‌دارد. بازدارندگی، از مسیر مذاکره نمی‌گذرد، بلکه حاصل جنگ قاطعانه و بی جغرافیا و بی چهارچوب است. زبان سیاست تجدّدی، «قدرت/سلطه/استعمار» است، نه «گفتگو/مذاکره/دادوستد». باید برصورت عریانِ قدرت که جنگ است، تکیه کرد و آنچنان جنگید که بازدارندگی، تحقّق یابد. هیچ تضمین و تعهدی جز قدرت سخت ما در میان نیست و ما نمی‌توانیم به مذاکره‌های سیّال وژله‌ای، دل خوش کنیم. حاکمیّت و جامعه برای حیات خویش، محتاج اطمینان و ثبات است و نمی‌توان تا زمان نامشخص، گرفتار وضع لغزنده و شکننده شد. تجربهٔ عینی نشان می‌دهد که مذاکره، هرگز از امکان ایجاد بازدارندگی برخوردار نیست و نمی‌توان افق تازه‌ای را بگشاید. بنابراین، در ابتدا باید مسیر مذاکره را بن‌بست محض و امری نامعقول انگاشت. دراین حال، آمریکا درمی‌یابد ایران از گذشته، عبرت اندوخته و دیگر حاضر به تکرار آن نیست. در اینجاست که یا برای همیشه، توقعات سلطه‌طلبانهٔ خود را دربارهٔ ایران، کنار می‌نهد، یا به‌ناچار، گزینهٔ جنگ را انتخاب می‌کند. انتخاب گزینهٔ جنگ، یعنی آخرین راه و آخرین فرصت برای تسلیم ساختن ایران.

چنانچه ما در این موقعیّت قرار گرفتیم، دیگر نباید مانند گذشته عمل کنیم و منطق «تدریجی/پلکانی/متناظر» را در تنش نظامی، برگزینیم، بلکه باید سرسختانه و شجاعانه، آنچنان بجنگیم که این داستان فرسایشی را تمام کنیم. این گونه جنگیدن، فردایی را رقم خواهد که در آن، نه‌تنها ایران خواهد ماند و نه‌فقط فاتح خواهد شد، بلکه به لحظهٔ «بازدارندگیِ اطمینان‌بخش» خواهد رسید و تعلیق‌ها و نوسان‌ها و تلاطم‌ها، برای همیشه برچیده خواهند شد. این وضع، محتمل‌ترین فرضیه است، بلکه باید گفت، گشایش‌های تاریخی و تمدّنی در متن آن وجود دارند. ازاین‌رو، نباید هراسید و اجتناب کرد، بلکه باید به استقبال چنین تقابلی رفت تا به تاریخ جدید و عهد ابرقدرتی پا بگذاریم. این تدبیر، پایان‌بخش جنگ است، نه جنگ‌طلبی و نه میل به جنگ بی پایان.

یادداشت

رقیق سازی اورانیوم حمله اتمی را قطعی می‌کند

امیرحسین ثابتی
نماینده مجلس شورای اسلامی

جزئیات پیشنهادات میانجی‌ها به ایران برای شروع مذاکرات هسته‌ای شامل رقیق‌سازی اورانیوم ایران، باز شدن تنگه هرمز و بازگشت جاسوسان آژانس به مراکز اتمی کشورمان است!

طبیعتا پذیرش چنین مطالبات زیاده‌خواهانه‌ای آن هم پس از شهادت رهبر معظم انقلاب یک شکست بزرگ برای ملتی است که ۲۵۰ شب در برابر دشمن مقاومت کرده و اولین نتیجه‌اش ناکامی معنادار جریان ترامپ و نتانیاهو در انتخاباتهای اخیر بود.

ضمن آنکه اگر اورانیوم‌های غنی شده از ایران خارج یا در داخل کشور رقیق شود، احتمال حمله اتمی به ایران بسیار بالا میرود و اساسا نه تحریمی برداشته خواهد شد و نه گشایش اقتصادی خاصی شکل می‌گیرد.

گشایش اقتصادی با ادامه مقاومت مقابل دشمن (افزایش قیمت نفت) و تغییر آرایش سیاسی داخل ایران (در انتخاباتهای بعدی) و سر کار آمدن جریان معتقد به مقاومت رقم خواهد خورد نه با از دست دادن تنگه هرمز و بازگشت جاسوسان آژانس به ایران.

خبر کوتاه

مخبر: همراهی در محاصره ایران، اقدامی جنگی است

مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب نوشت: متجاوزان که در پی آسیب رساندن به ایران‌اند، پژواک اقدامات خود را در منطقه، اروپا و آمریکا شنیدند

وی افزود: امروز هرگونه همراهی در محاصره خصمانه علیه ایران، اقدامی جنگی است که در حافظه تاریخی ملت ثبت خواهد شد و مسئولیت و تبعات آن، فارغ از هرگونه محدودیت جغرافیایی، متوجه تمامی مشارکت‌کنندگان خواهد بود

طرح دوفوریتی مجلس درباره وزارت اطلاعات

از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، طرح دوفوریتی اصلاح ماده واحده تاسیس وزارت اطلاعات، ثبت شده و پس از طی روال قانونی، به صحن مجلس می‌آید.

این طرح دوفوریتی، یکشنبه ۲۴ آبان در جلسه علنی مجلس بررسی می‌شود و در صورت تصویب نهایی، همزمان با «حذف شرط اجتهاد» برای وزیر اطلاعات، دوسازمان جدید «حفاظت و اطلاعات» و «عقیدتی سیاسی» در وزارت اطلاعات تشکیل می‌شود که با حکم رهبر معظم انقلاب، روسای آنها تعیین می‌شود.

براساس این اصلاحیه قانونی، مواد ۵ و ۶ قانون تشکیل وزارت دفاع، در وزارت اطلاعات نیز حاکم می‌شود. این طرح دوفوریتی توسط ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در سامانه قوانین مجلس بارگزاری شده است.

متن مواد ۵ و ۶ قانون وزارت دفاع بدین شرح است:

ماده ۵- به منظور حفظ و صیانت وزارت و سازمان‌های وابسته در زمینه‌های امنیتی، سازمانی وابسته به وزارت با سلسله مراتب مستقل و متمرکز بنام سازمان حفاظت و اطلاعات تشکیل می‌گردد که ماموریت وظایف قانونی سازمانهای مشابه در ارتش و سپاه را با همکاری آنها در وزارت بر عهده خواهد داشت.

تبصره- رئیس این سازمان توسط مقام مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.

ماده ۶- به منظور رشد و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در وزارت و سازمان‌های وابسته، سازمانی وابسته با سلسله مراتب مستقل و متمرکز بنام سازمان عقیدتی - سیاسی تشکیل می‌گردد که ماموریت و وظایف قانونی سازمانهای مشابه در ارتش و سپاه را با همکاری آنها در وزارت بر عهده خواهد داشت. تبصره- رئیس این سازمان توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.

ایران خودرو به دنبال گرانی ۵۵ درصدی



بازار خودرو در یک ماه گذشته روزهای آشفتگی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. تنها طی یک ماه اخیر، افزایش قیمت خودرو از مرز ۳۰ تا ۵۰ درصد گذشته و این رشد تورمی سرسام‌آور در حالی رخ می‌دهد که هیچ‌کدام از متولیان مربوط در حوزه صنعت خودرو و تنظیم‌گری بازار، پاسخگوی این وضعیت نیستند. بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در چنین شرایطی که فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد می‌شود، این پرسش مطرح است که متولی اصلی نظارت و مدیریت بازار خودرو کیست و چرا هیچ نهادی پاسخگوی این وضعیت نابسامان نیست؟ نگاهی به قانون ساماندهی صنعت خودرو و تکالیف صریح قانون‌گذار نشان می‌دهد که چارچوب‌های مشخصی برای اداره این صنعت و بازار در نظر گرفته شده است، اما مشخص نبودن مرزهای مسئولیت و تعلل دستگاه‌های متولی، بازار را به حال خود رها کرده است. براساس ماده ۲ این قانون، دولت موظف است با اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و از طریق اقدامات سیاست‌گذاری، نظارتی و تنظیم‌گری، زمینه رقابت‌پذیری در صنعت خودرو را فراهم کند. در ماده ۴ این قانون، اختیار و سازوکار قانونی واردات خودرو با هدف تنظیم بازار و رعایت منافع مصرف‌کنندگان به وزارت صنعت، معدن و تجارت و هیئت وزیران تفویض شده و قانون‌گذار در ماده ۱۱ الحاقی مصوب ۱۴۰۲ نیز واردات خودروهای کارکرده را صراحتاً برای تنظیم بازار مجاز دانسته است.

خبرگزاری فارس نیز نوشت: ایران خودرو بار دیگر درخواست رسمی خود را برای افزایش قیمت محصولات به مراجع ذی‌ربط ارائه کرده است. خودروساز بزرگ کشور این بار درخواست افزایش قیمت ۵۵ درصدی دارد؛ اگر این افزایش قیمت مورد موافقت قرار گیرد، قیمت خودرویی مانند «رانا پلاس» که حالا یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است، به حدود دو میلیارد و پانصد میلیون تومان می‌رسد. یکی از اهداف واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، افزایش بهره‌وری است؛ مدیریت ایران خودرو در بهمن ۱۴۰۳ نیز با همین هدف به بخش خصوصی واگذار شد. این شرکت از آن زمان تا کنون، تقریباً قیمت خودروهایش را ۳ برابر کرده است. این شرکت در ۷ ماهه امسال حدود ۲۴۵ هزار خودرو تولید کرده که در مقایسه با ۳۲۳ هزار دستگاه در مدت مشابه سال قبل، ۲۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. ایران خودرو پارسال در چند نوبت قیمت‌ها را بالا برد و خرداد امسال نیز محصولاتش را ۴۰ درصد گران کرد. با این حال، مدیران شرکت می‌گویند سودشان در ۷ ماهه امسال نسبت به پارسال حدود ۵۰ درصد بیشتر شده است.

نبض بازار

پلتفرم‌های آنلاین طلا زیر ذره‌بین اتحادیه رفتند

پلتفرم‌های آنلاین فروش طلا طبق مصوبه جدید هیئت عالی نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت ملزم به دریافت مجوز از اتحادیه تخصصی طلا شدند. چندی پیش هیئت وزیران با اصلاح دستورالعمل خرید و فروش برخط طلا و نقره، شرط تأیید بانک مرکزی برای صدور، تمدید و ابطال مجوز پلتفرم‌ها را حذف کرد. قبل از کنار رفتن بانک مرکزی اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی مرجع صدور مجوز بود، اما باید تأیید بانک مرکزی را نیز دریافت می‌کرد. این سومین بار است که مسئولیت صدور مجوز پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا تغییر می‌کند؛ این در حالی است که در ماه‌های اخیر برخی کاربران این سکوها برای برداشت وجه، دریافت طلای فیزیکی و تحویل سفارش‌های خود با مشکل مواجه شده‌اند و نگرانی‌ها درباره پشتوانه طلای این پلتفرم‌ها افزایش یافته است.

نادر بذرافشان، رئیس اتحادیه سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر تهران، در این باره با اشاره به پیامدهای گسترش فروش طلای آب‌شده از طریق پلتفرم‌های آنلاین گفت: طی دو سال گذشته، هم‌زمان با گسترش تبلیغات و فروش گسترده طلای آب‌شده از طریق پلتفرم‌های مجازی در سطح کشور، بارها نسبت به تبعات این روند برای صنعت طلا هشدار دادیم. در همین راستا، جلسات متعددی برگزار و مکاتباتی با دستگاه‌های مرتبط از جمله پلیس امنیت اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام شد. او با بیان اینکه فروش گسترده طلای آب‌شده در بستر پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند در بلندمدت تهدیدی جدی برای این صنعت باشد، افزود: این شیوه فعالیت، تعادل چرخه تولید و توزیع را برهم زده و مشکلات متعددی برای فعالان صنف ایجاد کرده است؛ به‌طوری که طی دو سال گذشته میزان تولید در این بخش بین ۳۵ تا ۵۵ درصد کاهش یافته است.

بذرافشان ادامه داد: براساس مصوبه ۱۳۸ در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ هیئت عالی نظارت وزارت صمت مقرر شد از این پس فعالان صنف و صنعت طلا و حتی سایر صنوفی که در بستر فضای مجازی فعالیت می‌کنند، مجوز خود را از اتحادیه تخصصی مربوطه دریافت کنند، نه اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی. وی گفت: بر اساس تصمیم اتخاذشده، صدور مجوز فعالیت پلتفرم‌های مجازی حوزه طلا بر عهده اتحادیه تخصصی طلا و جواهر خواهد بود و این اتحادیه با تدوین دستورالعمل‌ها و ضوابط مشخص، نظارت دقیق‌تری بر عملکرد این کسب‌وکارها اعمال خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود مصوبه مذکور حداکثر طی یک ماه آینده ابلاغ شود و پس از آن، فرآیند صدور مجوز و نظارت بر فعالیت پلتفرم‌های آنلاین مطابق ضوابط تعیین‌شده از سوی اتحادیه تخصصی انجام خواهد شد.

نوبنیاد با توجه به هشدار خضریان و پاسخ سازمان بورس گزارش می‌دهد؛

هلدینگ غدیر؛ قربانی یک انتصاب پرحاشیه

مهدی زحمتکش، سرپرست پیشین گروه سرمایه‌گذاری غدیر، در حالی ۱۶ آبان‌ماه از سمت خود استعفا داد که سازمان بورس ۶ روز قبل از آن، در پاسخ به پیگیری علی خضریان، نماینده مردم تهران در مجلس اعلام کرده بود او حداقل امتیاز علمی لازم برای احراز صلاحیت حرفه‌ای را کسب نکرده است, به نوعی پاسخ رسمی نهاد ناظر بازار سرمایه تأیید کرد که زحمتکش صلاحیت مدیریت یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های اقتصادی کشور را ندارد؛ موضوعی که خضریان نیز بر آن تاکید داشت.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

گروه سرمایه‌گذاری غدیر یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های اقتصادی کشور است که در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، فولاد، معدن، سیمان و انرژی فعالیت دارد. این مجموعه با صدها شرکت زیرمجموعه و دارایی‌های گسترده، از بازیگران مهم اقتصادی کشور و بازار سهام محسوب می‌شود. اهمیت غدیر تنها به وسعت فعالیت‌های صنعتی آن محدود نیست؛ این مجموعه به‌عنوان یک شرکت پذیرفته‌شده در بورس و نهاد مالی ثبت‌شده نزد سازمان بورس، با سرمایه سهامداران و منافع اقتصادی طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان سروکار دارد. همچنین صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح از سهامداران و ذی‌نفعان مهم این مجموعه است و عملکرد آن بر ارزش دارایی‌ها و منافع اقتصادی بازنشستگان نیز اثرگذار است. حضور غدیر در صنایع مادر و زیرساختی، این مجموعه را به یکی از بازیگران اثرگذار در اقتصاد کشور تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که تصمیمات مدیریتی آن می‌تواند بر عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه، روند سرمایه‌گذاری، تولید و سودآوری بنگاه‌های مختلف تأثیر بگذارد. از همین رو، انتخاب مدیران غدیر باید بر اساس ضوابط قانونی و صلاحیت‌های حرفه‌ای انجام شود. با این حال انتصاب مهدی زحمتکش از اول مهرماه امسال به‌عنوان سرپرست گروه سرمایه‌گذاری غدیر انتخاب شد.

مدرک علوم سیاسی برای مدیریت هلدینگ اقتصادی

علی خضریان، نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اصل نود مجلس، ۲۷ مهرماه در نامه‌ای به مهرداد اخلاقی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، انتصاب زحمتکش به سرپرستی موقت هلدینگ غدیر را مغایر با ضوابط قانونی دانست و خواستار برکناری فوری او شد. خضریان در نامه خود با استناد به اطلاعات درج‌شده در سامانه کدال نوشت: زحمتکش دارای مدرک تحصیلی علوم سیاسی با گرایش روابط بین‌الملل است که با حوزه مالی و اقتصادی کاملاً غیرمرتبط است. این نماینده مجلس تاکید کرد: هلدینگ سرمایه‌گذاری غدیر یک ناشر اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس تهران و نهاد مالی ثبت شده نزد سازمان بورس است و موضوع فعالیت اصلی آن صنایع سرمایه‌گذاری، مالی و مادر با بیش از ۵۰۰ شرکت در حوزه‌های پتروشیمی، پالایشی، معدنی و فولادی است. مدرک علوم سیاسی ذاتاً با موضوع فعالیت اصلی این هلدینگ «مرتبط» نیست و این انتصاب از چند جهت صراحتاً با قوانین و مقررات کشور مغایرت دارد.

خضریان به آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی استناد کرد و افزود: «داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی مرتبط با موضوع فعالیت ناشر» از شرایط اعضای هیئت مدیره است؛ بنابراین زحمتکش نه تنها صلاحیت مدیرعاملی، بلکه صلاحیت حضور در هیئت‌مدیره یک ناشر و نهاد مالی را نیز ندارد. این پرسش مطرح است که چگونه فردی با تحصیلات علوم سیاسی در مسند هیئت مدیره شرکت‌های بزرگی چون فولاد مبارکه و پتروشیمی مارون قرار گرفته است. خضریان تاکید کرد مدیران این شرکت‌ها باید از دانش و مهارت کافی در حوزه فعالیت مجموعه برخوردار باشند و صرف داشتن سابقه مدیریتی، جایگزین احراز شرایط علمی و حرفه‌ای نمی‌شود. با توجه به عدم حضور نامبرده در هیچ‌یک از نهادهای مالی کشور و معرفی یکباره وی به‌عنوان سرپرست یکی از بزرگ‌ترین نهادهای مالی کشور، این انتصاب علاوه بر غیرقانونی بودن، فاقد توجیه منطقی است. عضو کمیسیون اصل نود مجلس افزود: انتصاب زحمتکش به عنوان سرپرست موقت هلدینگ غدیر، خلاف صریح بندهای ماده یک آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی و نیز خلاف دستورالعمل حاکمیت شرکتی است. مطابق قانون، مرجع انتخاب کننده مکلف است فرد منصوب را برکنار کند. اهمیت این نامه زمانی مشخص شد که خضریان در پیگیری بعدی خود، موضوع را به وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ارجاع داد و خواستار اقدام نظارتی و اعلام نتیجه بررسی صلاحیت زحمتکش شد. این پیگیری سرانجام با پاسخ سازمان بورس همراه شد؛ پاسخی که نشان داد نگرانی مطرح‌شده درباره احراز صلاحیت حرفه‌ای سرپرست غدیر، موضوعی قابل اعتنا بوده است.

سازمان بورس صلاحیت زحمتکش را تایید نکرد

نقطه مهم این انتصاب، پاسخ سازمان بورس و اوراق بهادار به پیگیری‌های عضو کمیسیون اصلنود مجلس بود. رئیس سازمان بورس در نامه‌ای به تاریخ ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۵ خطاب به این نماینده مجلس، نتیجه بررسی صلاحیت حرفه‌ای مهدی زحمتکش را اعلام کرد. براساس این پاسخ، صلاحیت حرفه‌ای زحمتکش مطابق دستورالعمل مربوط به نهادهای مالی در سازمان بورس مورد بررسی قرار گرفته، اما وی به دلیل کسب نکردن حداقل امتیاز علمی لازم، شرایط احراز صلاحیت حرفه‌ای را به دست نیاورده است. سازمان بورس در همین نامه تأکید کرد که ضروری است هلدینگ غدیر فرد جدیدی را برای مدیریت این مجموعه معرفی کند.

استعفا به نام صیانت از سرمایه بازنشستگان!

نکته قابل تأمل در این ماجرا، فاصله زمانی میان پاسخ سازمان بورس و نامه استعفای زحمتکش است. سازمان بورس در ۱۰ آبان‌ماه نظر خود را اعلام کرد و مهدی زحمتکش در ۱۶ آبان‌ماه، یعنی ۶ روز بعد، در نامه‌ای خطاب به وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تصمیم خود برای کناره‌گیری از سرپرستی غدیر را اعلام کرد. زحمتکش در نامه استعفای خود که شبیه رنج‌نامه نوشته شده بود تلاش کرد تصمیمش را در چارچوب حفظ منافع اقتصادی هلدینگ غدیر و صیانت از سرمایه‌های بازنشستگان نیروهای مسلح نشان دهد. او با اشاره به شرایط شکل‌گرفته پیرامون مدیریت هلدینگ، بر ضرورت حفظ آرامش مدیریتی و جلوگیری از تأثیر حاشیه‌ها بر فعالیت اقتصادی شرکت‌های زیرمجموعه تأکید کرد. در ظاهر، متن این نامه آن است که زحمتکش برای جلوگیری از آسیب دیدن مجموعه و حفظ منافع بازنشستگان، تصمیم به کناره‌گیری گرفته است، اما بررسی تاریخ نامه سازمان بورس و زمان استعفا، تصویر دیگری را نشان می‌دهد، زیرا پاسخ سازمان بورس به خضریان ۶ روز قبل از استعفا صادر شده که در آن صراحتاً اعلام شد زحمتکش حداقل امتیاز علمی لازم برای احراز صلاحیت حرفه‌ای را کسب نکرده است. در حالی که زحمتکش در ۱۶ آبان استعفای خود را اعلام کرد و درواقع روغن ریخته را نذر امامزاده کرده است.

سرمایه‌ای که محل آزمون و خطا نیست

پرونده غدیر نشان می‌دهد که وقتی یک مجموعه با بیش از ۵۰۰ شرکت و هزاران میلیارد تومان دارایی و سرمایه سروکار دارد، نمی‌توان در انتخاب مدیرآن صلاحیت‌های حرفه‌ای و مواردی که در قانون آمده را نادیده گرفت. چنین انتصاب‌هایی باید از ابتدا با رعایت مقررات، احراز صلاحیت حرفه‌ای و توجه به منافع سهامداران انجام شود. سرانجام ۳ روز پس از استعفای زحمتکش، در ۱۹ آبان‌ماه سید میراحمد فاطمی، قائم‌مقام پیشین گروه سرمایه‌گذاری غدیر، به‌عنوان مدیرعامل جدید این مجموعه معرفی شد. فاطمی پیش از این مسئولیت قائم‌مقامی هلدینگ را بر عهده داشته و سوابق مدیریتی در مجموعه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری نیز در کارنامه او دیده می‌شود. هر چند دوره کوتاه سرپرستی زحمتکش در غدیر به پایان رسید، اما غدیر فقط یک صندلی مدیریتی نیست؛ مجموعه‌ای است که تصمیمات آن بر منافع سهامداران و بازنشستگان نیروهای مسلح اثر می‌گذارد.

نوبنیاد مطالبات ۴ میلیارد یورویی واردکنندگان کالاهای اساسی را بررسی کرد؛

امنیت غذایی قربانی وعده‌های دولت

بیش از ۴ میلیارد یورو از مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی، در حالی ماه‌هاست پرداخت نشده که دولت متعهد به تأمین ارز این بخش بوده است؛ بدعهدی‌ای که با زمین‌گیر کردن سرمایه در گردش بیش از ۷۵۰ شرکت، نه‌تنها فعالیت تأمین‌کنندگان، بلکه پایداری زنجیره تأمین کالاهای ضروری کشور را نیز با تهدید مواجه کرده است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

تأمین ارز کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی از مهم‌ترین مصارف ارزی کشور است؛ حوزه‌هایی که هرگونه اختلال در پرداخت ارز آن‌ها می‌تواند به‌طور مستقیم بر امنیت غذایی، سلامت عمومی و ثبات بازار اثر بگذارد. با این حال، در ماه‌های گذشته، موضوع مطالبات پرداخت‌نشده واردکنندگان کالاهای اساسی به یکی از چالش‌های مهم میان دولت، بانک مرکزی و فعالان بخش خصوصی تبدیل شده است. بررسی اظهارات و مواضع اخیر مسئولان نشان می‌دهد اختلاف اصلی اکنون نه بر سر اصل وجود مطالبات، بلکه بر سر چگونگی تأمین منابع و مسئولیت پرداخت آن است.

بیش از ۴۰۷ میلیارد یورو از مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی همچنان در چرخه تسویه تعهدات ارزی دولت بلاتکلیف مانده است؛ بدهی سنگینی که بیش از ۷۵۰ شرکت فعال در حوزه تأمین کالاهای ضروری را درگیر کرده و روند آن از دی‌ماه ۱۴۰۳ آغاز شده است. این مطالبات به واردات کالاهایی مانند نهاده‌های دامی، روغن، برنج و سایر اقلام اساسی مربوط می‌شود. دولت پزشکیان متعهد شده بود که در قبال تأمین کالاهای اساسی، ارز موردنیاز این شرکت‌ها برای واردات را به آن‌ها اختصاص دهد، اما حالا، پس از ۲۲ ماه، همچنان شرکت‌هایی که در برهه‌های مختلف و با وجود سختی‌های گوناگون، زمینه تأمین و وفور کالا در کشور را فراهم کرده‌اند، تحت فشار شدید اقتصادی قرار دارند؛ فشاری که به دلیل عمل نکردن دولت چهاردهم به تعهدات خود به آن‌ها تحمیل شده است. اکنون مسئله صرفاً پرداخت یک بدهی ارزی نیست، بلکه استمرار فعالیت شرکت‌هایی مطرح است که بخش مهمی از زنجیره تأمین نیازهای اساسی کشور به عملکرد آن‌ها وابسته است. عمل نکردن به‌موقع دولت به تعهدات خود می‌تواند امنیت غذایی و شرایط اقتصادی کشور را بیش از پیش به خطر بیندازد.

وقتی بدعهدی دولت، امنیت غذایی را نشانه می‌رود

پیامد اصلی تأخیر در تسویه مطالبات، تنها در ترازنامه شرکت‌های واردکننده باقی نمی‌ماند، بلکه مستقیماً توان فعالیت آن‌ها را در چرخه تجارت تحت تأثیر قرار می‌دهد. محمدرضا کلامی، دبیر اتحادیه نهاده‌های دام و طیور و نماینده تشکل‌های تأمین‌کننده کالاهای اساسی، در اظهارات خود از باقی ماندن حدود ۴ میلیارد یورو از منابع مالی فعالان این حوزه نزد دولت سخن گفته است. به این ترتیب، شرکت‌هایی که باید سرمایه حاصل از واردات و عرضه محموله‌های قبلی را برای خرید محموله‌های جدید به کار بگیرند، با محدودیت نقدینگی مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، تعهدات بانکی این شرکت‌ها متوقف نشده و آن‌ها همچنان باید اقساط تسهیلات، هزینه تأمین مالی و جرایم ناشی از تأخیر در بازپرداخت را تحمل کنند. این وضعیت هزینه فعالیت واردکنندگان را افزایش می‌دهد و حتی برخی شرکت‌ها را برای ادامه فعالیت با دشواری مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی، مطالبه بخش خصوصی صرفاً دریافت مطالبات گذشته نیست؛ آن‌ها خواستار بازگشت امکان فعالیت عادی و تأمین مالی محموله‌های بعدی هستند. به بیان دیگر، بدهی دولت به واردکنندگان به مسئله‌ای فراتر از حساب‌های تسویه‌نشده تبدیل شده و سرمایه در گردش زنجیره تأمین را تحت فشار قرار داده است.

اهمیت این مطالبات زمانی بیشتر روشن می‌شود که نقش واردکنندگان در تأمین کالاهای اساسی کشور مورد توجه قرار گیرد. بخش مهمی از نیاز کشور به نهاده‌های دامی، روغن، برنج و سایر اقلام ضروری از مسیر واردات تأمین می‌شود و استمرار این فرآیند به توان مالی و اعتباری شرکت‌های فعال در این حوزه وابسته است. بنابراین، وقتی منابع مالی واردکنندگان برای ماه‌های طولانی در چرخه تسویه تعهدات ارزی دولت باقی می‌ماند، توان آن‌ها برای تأمین محموله‌های جدید نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. این مسئله به‌ویژه در شرایطی که تجارت خارجی کشور با محدودیت‌های ناشی از تحریم و دشواری‌های نقل‌وانتقال پول مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. کاهش اعتبار تجار ایرانی نزد فروشندگان خارجی و افزایش نیاز به پیش‌پرداخت نقدی، در صورت تحقق، می‌تواند هزینه و دشواری تأمین کالا را افزایش دهد. روشن است که تضعیف توان مالی تأمین‌کنندگان کالاهای اساسی، ریسک استمرار واردات را افزایش می‌دهد. از این منظر، تسویه به‌موقع تعهدات دولت، نه‌تنها یک الزام مالی در برابر بخش خصوصی، بلکه بخشی از الزامات حفظ پایداری زنجیره تأمین و امنیت غذایی کشور است.

نامه مجلس به پزشکیان

در پی وجود این مطالبات، نامه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ارسال شد. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در این نامه خطاب به مسعود پزشکیان، با اشاره به بلاتکلیفی مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی، خواستار ورود مستقیم دولت برای حل این موضوع و جلوگیری از ادامه مشکلات مالی فعالان اقتصادی شد. غلامرضا تاجگردون با اشاره به درخواست‌ها و مراجعات جمعی از واردکنندگان کالاهای اساسی اعلام کرد که موضوع پرداخت مطالبات و تعهدات مالی مربوط به واردات این کالاها، از طریق مکاتبه و پیگیری با سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است. وی با بیان اینکه پاسخ‌های دریافتی تاکنون به تصمیم نهایی و ارائه راهکار اجرایی منتهی نشده است، تصریح کرد: پاسخ دستگاه‌ها عمدتاً ناظر بر تبیین حدود مسئولیت‌ها و موکول کردن ایفای تعهدات به تأمین منابع از سوی دولت بوده است. در ادامه این نامه نیز به تعیین تکلیف تعهدات دولت برای تأمین ارز واردات کالاهای اساسی اشاره شده و بر تفکیک واردکنندگان خوش‌حساب از شرکت‌های متخلف تأکید شده است.

در حالی که مطالبات واردکنندگان ماه‌ها بلاتکلیف مانده، اختلاف بر سر مسئولیت تأمین منابع و تسویه بدهی نیز به یکی از محورهای اصلی این پرونده تبدیل شده است. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در پاسخ به پیگیری‌های غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، تأکید کرده است که تأمین منابع ارزی مربوط به تعهدات ایجادشده بر عهده دولت بوده و بانک مرکزی پس از دریافت منابع و تعیین تکلیف تعهدات، آمادگی انجام عملیات تسویه را دارد.

از سوی دیگر، ورود تاجگردون و مکاتبه او با رئیس جمهور نشان می‌دهد موضوع از سطح اختلافات کارشناسی میان دستگاه‌ها فراتر رفته و به مطالبه‌ای در سطح سیاست‌گذاری تبدیل شده است. با این حال، آنچه در این میان اهمیت دارد، تعیین تکلیف عملی مسئولیت‌هاست. برای واردکننده‌ای که ماه‌هاست سرمایه خود را در این فرآیند معطل گذاشته، تفاوت چندانی ندارد که کدام دستگاه مسئول تأخیر بوده است؛ آنچه اهمیت دارد، بازگشت منابع و امکان ادامه فعالیت اقتصادی است. استمرار اختلافات اداری نمی‌تواند توجیهی برای طولانی شدن اجرای تعهدات دولت در برابر بخش خصوصی باشد.

پایان بلاتکلیفی یا آغاز مرحله‌ای تازه؟

پس از ماه‌ها پیگیری، مکاتبه و اختلاف میان دستگاه‌های اجرایی، سرانجام وزیر اقتصاد از تصویب تعیین تکلیف مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی و پرداخت بخشی از آن‌ها به‌صورت علی‌الحساب در هیئت دولت خبر داده است. این تصمیم می‌تواند نخستین گام عملی برای کاهش فشار مالی بر شرکت‌های طلبکار باشد، اما نباید تصویب یک سازوکار را با تسویه واقعی مطالبات یکسان دانست.

آنچه اکنون اهمیت دارد، مشخص شدن میزان منابع اختصاص‌یافته، تعداد شرکت‌های مشمول، نحوه اولویت‌بندی پرداخت‌ها و زمان‌بندی اجرای مصوبه است.

همچنین باید روشن شود تکلیف بخش باقی‌مانده مطالبات چه خواهد شد و آیا دولت برای جلوگیری از تکرار چنین وضعیتی، برنامه مشخصی برای تأمین منابع تعهدات ارزی آینده دارد یا خیر. تفکیک واردکنندگان خوش‌حساب از شرکت‌هایی که احتمالاً در ایفای تعهدات خود تخلف داشته‌اند نیز می‌تواند به تسریع فرآیند تسویه کمک کند. در نهایت، آزمون اصلی دولت نه در تصویب یک مصوبه دیگر، بلکه در اجرای آن و بازگرداندن منابع به چرخه فعالیت اقتصادی است. واردکنندگانی که ماه‌ها در انتظار دریافت مطالبات خود بوده‌اند، اکنون بیش از هر چیز به زمان‌بندی روشن و پرداخت واقعی نیاز دارند.

نبض اقتصاد

تنگه هرمز، اقتصاد قاره سبز را لرزاند

جنگ ایران و تداوم اختلال در بازار جهانی انرژی، بار دیگر شکنندگی اقتصاد اروپا در برابر بحران انرژی را آشکار کرده است. قاره‌ای که هنوز از تبعات بحران انرژی سال ۲۰۲۲ و جنگ اوکراین رهایی کامل نیافته، اکنون با موج تازه‌ای از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و فشار تورمی مواجه شده است. افزایش نزدیک به ۲۰۰ درصدی قیمت گاز طبیعی از فوریه (آغاز جنگ ایران) تاکنون و ثبت رکوردهای تازه در بازار گازوئیل، نشان می‌دهد اروپا با بحرانی فراتر از یک شوک مقطعی روبه‌روست؛ بحرانی که توان اقتصادی و سیاسی این قاره برای تحمل یک جنگ طولانی و زمستانی سخت را به چالش کشیده است.

بلومبرگ در گزارشی از وضعیت اقتصاد اروپا نوشت: کشورهای اروپایی در حالی با موج جدید گرانی انرژی مواجه شده‌اند که هنوز نتوانسته‌اند آثار اقتصادی شوک سال ۲۰۲۲ را جبران کنند. در آن مقطع، افزایش شدید قیمت گاز پس از آغاز جنگ اوکراین، بخش قابل توجهی از صنایع اروپا را تحت فشار قرار داد و نگرانی‌ها درباره تعطیلی کارخانه‌ها و افول صنعتی قاره سبز را افزایش داد. اکنون جنگ ایران همان نگرانی‌ها را با شدت بیشتری زنده کرده است.

بر اساس این گزارش، از زمان آغاز جنگ ایران، هزینه واردات انرژی اروپا بیش از ۱۲۷ میلیارد یورو افزایش یافته است. قیمت گاز طبیعی نیز در مقطعی از پایان اکتبر از ۱۰۰ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت عبور کرده و به بالاترین سطح چهار سال اخیر رسیده است. هم‌زمان قیمت گازوئیل رکورد زده و بهای سوخت هواپیما تقریباً دو برابر شده است. این افزایش هزینه‌ها در شرایطی اتفاق می‌افتد که بسیاری از دولت‌های اروپایی با بدهی‌های سنگین مواجه‌اند و امکان حمایت گسترده مالی از مصرف‌کنندگان و صنایع را ندارند. بخش‌های انرژی‌بر از جمله صنایع شیمیایی، کودسازی، کشاورزی، ساختمان و حمل‌ونقل از مهم‌ترین قربانیان این وضعیت هستند. نمونه آشکار این فشار، تعطیلی کارخانه چینی‌سازی کاهلا در آلمان پس از ۱۸۲ سال فعالیت است. هزینه ماهانه گاز این کارخانه به ۱۸۰ هزار یورو، معادل ۷۰ درصد هزینه‌های عملیاتی آن، رسیده و در نتیجه قرار است فعالیت آن متوقف و حدود ۱۰۰ نفر بیکار شوند. در لهستان نیز صنایع کودسازی نسبت به افزایش هزینه‌های انرژی هشدار داده‌اند. این اتفاقات نشان می‌دهد بحران انرژی صرفاً به افزایش هزینه خانوارها محدود نمانده و بقای بخش‌هایی از صنعت اروپا را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، وضعیت ذخایر گاز اروپا نگرانی‌ها درباره زمستان پیش‌رو را تشدید کرده است. بر اساس گزارش بلومبرگ، سطح ذخایر گاز این قاره حدود ۱۵ واحد درصد پایین‌تر از میانگین سال‌های اخیر و فاصله زیادی با هدف ۹۰ درصدی اتحادیه اروپا دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت وقوع زمستانی سرد و تداوم محدودیت عرضه جهانی گاز طبیعی مایع، ذخایر اروپا ممکن است تا پایان زمستان به حدود ۱۰ درصد ظرفیت کاهش یابد. حتی تحقق این سناریو مستلزم کاهش ۱۵ درصدی مصرف انرژی خواهد بود. آلمان، به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، نیز ممکن است تا ماه مارس با اتمام ذخایر گاز خود مواجه شود.

این وضعیت در کنار محدودیت‌های مالی دولت‌ها، بحران را به عرصه سیاست نیز کشانده است. در ایتالیا، افزایش تورم به ۵.۶ درصد در اکتبر و اعتراض کامیونداران به هزینه سوخت، دولت را به اختصاص صدها میلیون یورو برای حمایت از بخش حمل‌ونقل وادار کرده است. در فرانسه نیز افزایش قیمت انرژی به یکی از محورهای مناقشات سیاسی پیش از انتخابات ریاست جمهوری تبدیل شده است.

بحران کنونی نشان می‌دهد اروپا نه‌تنها برای تحمل یک زمستان سخت، بلکه برای حفظ توان صنعتی خود نیز با محدودیت‌های جدی روبه‌روست. امیدواری به زمستانی معتدل و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر شاید بخشی از فشارها را کاهش دهد، اما وابستگی به بازار جهانی سوخت و آسیب‌پذیری در برابر تحولات خاورمیانه همچنان پابرجاست. تعطیلی کارخانه‌های قدیمی، افزایش هزینه حمل‌ونقل و تشدید فشار بر معیشت خانوارها، نشانه‌هایی از بحرانی است که اگر تداوم یابد، می‌تواند روند صنعتی‌زدایی اروپا را سرعت ببخشد.

جنگ قدرت میان نتانیاهو، آیزنکوت و احزاب صهیونیست شدت گرفته است

وخامت سیاسی در تل‌آویو

کنست جدید اسرائیل هنوز جوهر سوگند نمایندگانش خشک نشده، به میدان کشمکش برای برکناری رئیس پارلمان، تشکیل دولت و حذف رقیب تبدیل شده است. انتخابات ۲۷ اکتبر نه نتانیاهو را به اکثریت رساند و نه برای گادی آیزنکوت راهی هموارکشود. نخست‌وزیر موقت در پشت پرده برای جلوگیری از پیوستن حریدی‌ها به رقیب تلاش می‌کند و مخالفان نیز بر سر ائتلاف با احزاب عربی و مذهبی اختلاف دارند. هم‌زمان دعوا بر سر سربازی، پرونده هفتم اکتبر و اصلاحات قضایی، شکاف‌های ساختاری سیاست اسرائیل را بیش از گذشته عیان‌تر کرده است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

تصاویر مراسم افتتاح بیست‌وششمین دوره کنست در دهم نوامبر ۲۰۲۶، بیش از آنکه نشانی از آغاز فصلی تازه در سیاست اسرائیل باشد، صحنه‌ای از تشدید رقابت‌ها، اتهام‌زنی‌ها و اختلافاتی بود که اکنون حتی تشکیل دولت جدید را با ابهام مواجه کرده است. نتانیاهو که چهار سال گذشته را در رأس ائتلافی متشکل از احزاب راست‌گرا و مذهبی سپری کرده، اکنون نه اکثریت پارلمانی دارد و نه می‌تواند از وفاداری همه متحدان سنتی خود اطمینان داشته باشد. انتخابات ۲۷ اکتبر نشان داد که بحران ائتلاف‌سازی همچنان گریبان‌گیر ساختار سیاسی اسرائیل است. حزب لیکود با کسب ۲۷ کرسی، بزرگ‌ترین حزب کنست باقی ماند، اما حزب «یاشار» به رهبری گادی آیزنکوت ۲۱ کرسی به دست آورد و همراه با احزاب نزدیک به خود، اردوگاهی ۴۸ کرسی تشکیل داد. در مقابل، مجموعه احزاب راست‌گرا و مذهبی که معمولاً در اردوگاه نتانیاهو دسته‌بندی می‌شوند، ۵۳ کرسی دارند و دو فهرست عربی نیز مجموعاً صاحب ۱۹ کرسی شده‌اند.

در چنین شرایطی، هیچ‌یک از دو اردوگاه اصلی به اکثریت ۶۱ کرسی دست نیافته‌اند. همین بن‌بست، رقابت برای جذب احزاب کوچک‌تر و جلب حمایت نمایندگان مردد را به مسئله‌ای تعیین‌کننده تبدیل کرده است.

تشکیل حلقه ویژه نتانیاهو برای جلوگیری از سقوط سیاسی

در حالی که آیزنکوت از هشتم نوامبر رسماً مأمور تشکیل دولت شده، نتانیاهو نیز تلاش‌های خود را برای جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف جایگزین افزایش داده است.

به گزارش وب‌سایت اسرائیلی «والا»، نخست‌وزیر موقت با استفاده از شبکه‌ای از چهره‌های سیاسی و مشاوران نزدیک خود، درصدد جلوگیری از پیوستن احزاب حریدی به دولت احتمالی آیزنکوت است.

در گزارش‌های منتشرشده درباره حلقه رایزنی نتانیاهو، نام‌هایی همچون یاریو لوین، وزیر دادگستری، اسرائیل کاتس، وزیر دفاع، گیدعون ساعر، وزیر خارجه، اوفیر کاتس و مشاورانی از جمله یعقوب باردوگو، زویکا بروت و نیو کاتس مطرح شده است.

مأموریت این حلقه سیاسی، بررسی تحولات مذاکرات، شناسایی نقاط اختلاف میان مخالفان و ایجاد مانع در مسیر دستیابی آنان به توافق عنوان شده است.

والا همچنین گزارش داده که تماس‌هایی میان چهره‌های نزدیک به نتانیاهو و نمایندگان جریان‌های مختلف حریدی برقرار شده است. در یکی از این تحرکات، موضوع خدمت سربازی حریدی‌ها و امکان دستیابی به توافق با دولت جایگزین مورد بحث قرار گرفته است.

این تلاش‌ها به مذاکرات پشت‌پرده محدود نمانده است. براساس گزارش والا، در مناطق حریدی‌نشین کارزارهایی علیه مشارکت احزاب مذهبی در دولت احتمالی آیزنکوت به راه افتاده و یک منبع آگاه از اجرای کارزار گسترده تماس تلفنی با جامعه حریدی سخن گفته است.

در واقع، نتانیاهو که روزگاری حضور احزاب مذهبی در کنار خود را تضمین‌شده تلقی می‌کرد، اکنون برای حفظ همین متحدان نیز ناچار به چانه‌زنی شده است.

سارا نتانیاهو هم وارد دعوا شد

تشدید اختلافات سیاسی در مراسم آغاز به کار کنست به شکل آشکاری نمایان شد. جایی که سخنرانی نتانیاهو درباره تشکیل دولت وحدت ملی، با اعتراض و واکنش تند مخالفان مواجه شد.

نتانیاهو در سخنان خود با حمله به احتمال تشکیل دولتی متکی بر آرای احزاب عربی، خواستار تشکیل دولت وحدت ملی شد. اما نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین و یکی از متحدان کنونی آیزنکوت، سخنان او را قطع کرد و خواستار پاسخگویی درباره دلایل تشکیل نشدن کمیسیون مستقل تحقیق پیرامون شکست‌های امنیتی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ شد.

بنت همچنین به پرونده موسوم به «قطرگیت» اشاره کرد؛ پرونده‌ای درباره ارتباطات مالی و سیاسی احتمالی برخی مشاوران نتانیاهو با قطر که موضوع تحقیقات و اتهامات رسانه‌ای بوده است.

در جریان همین مشاجره، ایتمار بن‌گویر، وزیر امنیت ملی دولت پیشین، نیز وارد جدال لفظی شد و بنت را به تلاش برای همکاری با احزاب عربی متهم کرد. سارا نتانیاهو، همسر نخست‌وزیر موقت، نیز با بنت وارد مشاجره شده است.

از سوی دیگر، شماری از نمایندگان مخالف به سخنان نتانیاهو اعتراض کردند و برخی صحن پارلمان را ترک کردند.

اختلاف در اردوگاه مخالفان؛ لیبرمن در برابر گولان

بحران تنها به اردوگاه نتانیاهو محدود نیست. احزابی که برای کنارزدن او متحد شده‌اند نیز درباره چگونگی تشکیل دولت اختلافات جدی دارند.

آویگدور لیبرمن، رهبر حزب «اسرائیل خانه ما» که هفت کرسی در اختیار دارد، با تشکیل دولتی متکی بر حمایت احزاب عربی مخالفت می‌کند. او معتقد است دولت اقلیت، حتی در صورت تشکیل، دوام نخواهد آورد و ممکن است زمینه بازگشت نتانیاهو را فراهم کند.

در مقابل، یائیر گولان، رهبر حزب دموکرات‌ها، از مشارکت احزاب عربی در ساختار دولت حمایت می‌کند. آیزنکوت نیز تاکنون این امکان را به‌طور کامل کنار نگذاشته است.

در سوی دیگر، نفتالی بنت و یائیر لاپید رویکرد محتاطانه‌تری اتخاذ کرده‌اند و تلاش دارند بدون اعلام امتیازات قطعی، مذاکرات را پیش ببرند.

آینده مبهم؛ کنستی که دولت ندارد

اکنون آیزنکوت تا ششم دسامبر برای تشکیل دولت فرصت دارد و رئیس‌جمهور می‌تواند این مهلت را حداکثر دو هفته تمدید کند. در صورت ناکامی او، احتمال واگذاری مأموریت به نتانیاهو یا نامزد دیگری مطرح خواهد شد و اگر هیچ ائتلافی موفق نشود، انتخابات مجدد نیز یکی از پیامدهای احتمالی خواهد بود. وضعیت کنونی یادآور بحران سیاسی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ است. دوره‌ای که اسرائیل پنج بار انتخابات برگزار کرد و ائتلافات حزبی بارها مانع تشکیل یا تداوم دولت شد.

در مجموع، تصویری که از کنست جدید اسرائیل نمایان شده، تصویر ساختار سیاسی گرفتار در بن‌بست ائتلاف‌سازی است. ساختاری که در آن نتانیاهو قدرت پارلمانی گذشته را ندارد و آیزنکوت نیز هنوز نتوانسته حمایت‌های پراکنده را به دولتی پایدار تبدیل کند. جدال بر سر قدرت ادامه دارد، اما هنوز مشخص نیست چه کسی خواهد توانست اکثریتی قابل اتکا برای اداره دولت فراهم کند.

کنست در چرخه بحران

اکنون آیزنکوت تا ششم دسامبر برای تشکیل دولت فرصت دارد و رئیس‌جمهور می‌تواند این مهلت را حداکثر دو هفته تمدید کند. در صورت ناکامی او، احتمال واگذاری مأموریت به نتانیاهو یا نامزد دیگری مطرح خواهد شد و اگر هیچ ائتلافی موفق نشود، انتخابات مجدد نیز یکی از پیامدهای احتمالی خواهد بود. وضعیت کنونی یادآور بحران سیاسی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ است. دوره‌ای که اسرائیل پنج بار انتخابات برگزار کرد و اختلافات حزبی بارها مانع تشکیل یا تداوم دولت شد.

یادداشت

سفره ۶ میلیون آمریکایی زیر تیغ ترامپ

محسن پورداد‌فر
روزنامه‌نگار

در حالی که کاخ سفید همچنان از قدرت اقتصادی آمریکا سخن می‌گوید، میلیون‌ها شهروند این کشور برای تأمین ابتدایی‌ترین نیاز زندگی، یعنی غذا، با مشکلات روزافزون روبه‌رو هستند. تازه‌ترین گزارش پولیتیکو نشان می‌دهد دولت ترامپ درصدد محدودکردن کمک‌های غذایی به ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار آمریکایی است. اقدامی که هم‌زمان با افزایش قیمت مواد غذایی، گسترش ناامنی غذایی و فشار بر خانواده‌های کم‌درآمد صورت می‌گیرد.

در بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، اکنون نه‌تنها هزینه زندگی افزایش یافته، بلکه حمایت‌های دولتی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه نیز یکی پس از دیگری در معرض کاهش قرار گرفته است.

روزنامه آمریکایی پولیتیکو در گزارشی به قلم مارسیا براون، نهم نوامبر ۲۰۲۶، از تصمیم تازه وزارت کشاورزی آمریکا برای محدودکردن دسترسی میلیون‌ها نفر به برنامه کمک تغذیه تکمیلی موسوم به «SNAP» پرده برداشت. این برنامه که در افکار عمومی آمریکا با عنوان «کوپن غذا» شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از خانوارهای کم‌درآمد است.

براساس محاسبات وزارت کشاورزی آمریکا، اجرای کامل مقررات پیشنهادی می‌تواند تا سال مالی ۲۰۲۹ حدود ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، معادل ۱۷٫۶ درصد دریافت‌کنندگان کنونی، را از شمول این کمک‌ها خارج کند. این طرح هنوز نهایی نشده، اما قرار است با محدودکردن احراز صلاحیت خودکار خانوارهای دریافت‌کننده سایر کمک‌های دولتی، نزدیک به ۴۵ میلیارد دلار از هزینه‌های فدرال طی پنج سال کاهش دهد.

آنچه این تصمیم را جنجالی‌تر کرده، پیامدهای احتمالی آن برای کودکان آمریکایی است. خبرگزاری رویترز دهم نوامبر گزارش داد برآوردهای دولت نشان می‌دهد حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک ممکن است امکان دریافت خودکار غذای رایگان مدرسه را از دست بدهند. هرچند وزارت کشاورزی می‌گوید بیشتر آنان از مسیر ثبت‌نام جداگانه همچنان واجد شرایط خواهند بود. پیش‌تر نیز الیزابت وارن، سناتور دموکرات، هشدار داده بود ترکیب افزایش قیمت خوراکی‌ها و کاهش کمک‌های غذایی، فشار اقتصادی بیش از ۲۲ میلیارد دلاری بر خانوارهای آمریکایی تحمیل کرده است. این برآورد متعلق به دفتر وارن است و نه یک آمار رسمی دولتی. بحران تنها به خانوارها محدود نیست. تغییرات قانونی باعث شده سهم ایالت‌ها از هزینه‌های اداری برنامه SNAP از ۵۰ به ۷۵ درصد افزایش یابد. در ایالت نیویورک، مقامات محلی از فشار مالی اضافی حدود ۱۶۸ میلیون دلاری بر شهرستان‌ها و شهر نیویورک خبر داده‌اند. دولت ترامپ مدعی است این تغییرات برای جلوگیری از سوءاستفاده و هدایت منابع به نیازمندان واقعی ضروری است؛ اما منتقدان هشدار می‌دهند سخت‌ترشدن شرایط اداری می‌تواند حتی خانوارهای واجد شرایط را از دریافت حمایت محروم کند.

تناقض آشکار اینجاست که در کشوری با بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، میلیون‌ها نفر همچنان برای تهیه غذای روزانه به کمک دولت وابسته‌اند، اما واشنگتن به‌جای کاهش فشار معیشتی، در حال محدودترکردن همین شبکه حمایتی است. بحران سفره آمریکایی‌ها اکنون به یکی از نشانه‌های مهم شکاف میان قدرت اقتصادی این کشور و واقعیت زندگی اقشار کم‌درآمد تبدیل شده است.

یادداشت

پاشنه‌آشیل امنیت؛ از کتمان خرابکاری تا غفلت حفاظتی

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

وقوع برخی حوادث آسیب‌زننده به تأسیسات زیرساختی کشور در روزهای اخیر و انتشار ادعاهای مبهم در فضای مجازی درباره حملات به برخی مواضع نظامی به واسطه اقدامات ضد امنیتی و جاسوسی دشمن، بار دیگر پرسش‌های جدی درباره میزان نفوذ سرویس‌های جاسوسی و آمادگی حفاظتی و پدافند غیرعامل کشور ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، تقویت پدافند غیرعامل، ارتقای حفاظت از زیرساخت‌ها و مهم‌تر از همه، تحول در حوزه اطلاع‌رسانی، ضرورتی انکارناپذیر است.

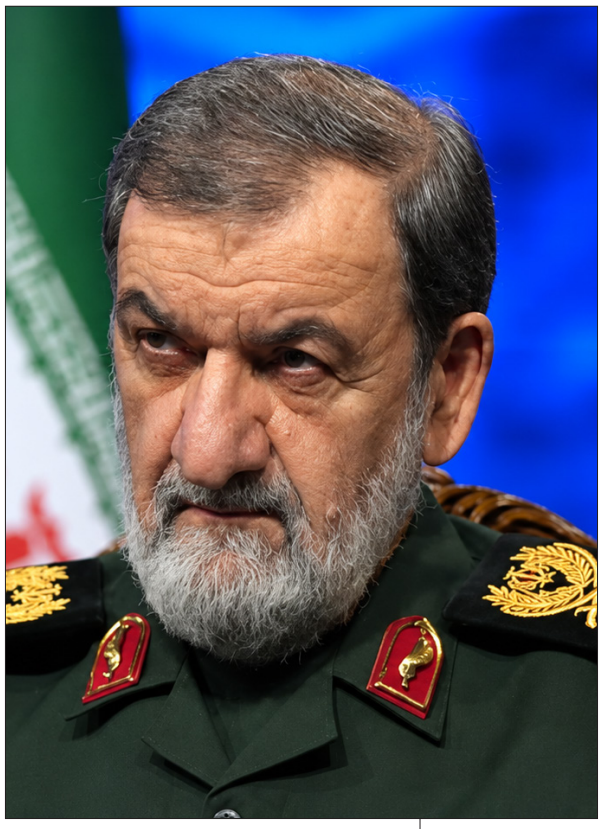
روز سه‌شنبه ۱۹ آبان، دقایقی پس از وقوع آتش‌سوزی در سکویی متعلق به فاز ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی، روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس از مهار کامل حریق با اقدام به‌موقع نیروهای عملیاتی و ایمنی خبر داد. معاون وزیر نفت نیز اعلام کرد این سکو روزانه ۱۴.۵ میلیون مترمکعب از مجموع بیش از ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز تولیدی پارس جنوبی را تأمین می‌کند. علت حادثه همچنان مشخص نیست و کارشناسان احتمال نشت گاز یا حادثه عملیاتی را بررسی می‌کنند. البته تا روشن شدن نتایج بررسی‌ها نمی‌توان درباره خرابکاری قضاوت قطعی کرد، اما مسئله مهم‌تر، آمادگی کشور برای مواجهه با چنین احتمالاتی است. تجربه حوادث گذشته نشان می‌دهد سیاست احتیاط و صبر استراتژیک در دوره پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی تا آغاز جنگ ۱۲روزه، در مواردی به جای افزایش امنیت، با کتمان و سکوت رسانه‌ای زمینه تحمیل خسارت‌های سنگین را فراهم کرد. گاهی حتی در شرایطی که انگاره‌های جدی درباره نقش سرویس‌های جاسوسی وجود داشت، سکوت خبری جایگزین شفاف‌سازی و بررسی مسئولانه شد.

چندی پیش صادق کوشکی استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگویی با اشاره به حمله اسرائیل به پایگاه پهپادی کرمانشاه در سال ۱۴۰۰، از رویکرد آن زمان انتقاد کرد که صداوسیما علت حادثه را «رعدوبرق» اعلام می‌کرد! این اظهارات فارغ از ضرورت بررسی دقیق جزئیات، یادآور هزینه‌های سنگین عادی‌سازی تهدیدات امنیتی است.

سرقت اسناد هسته‌ای از تورقوزآباد و سرقت از سازمان فضایی ایران نیز نمونه دیگری است؛ جایی که سکوت و کتمان رسانه‌ای نه‌تنها دستاورد نداشت، بلکه به بدبینی افکار عمومی نسبت به تریبون‌های رسمی دامن زد. مردم وقتی واقعیت را از رسانه‌های بیگانه می‌شنوند، طبیعی است که نسبت به روایت‌های رسمی دچار تردید شوند.

در این میان، یکی از مبهم‌ترین وقایع سال‌های اخیر، شهادت رئیس جمهور شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در ورزقان است؛ حادثه‌ای که با توجه به تحولات امنیتی و سیاسی بعدی و اکنون ترور رهبر شهید انقلاب، از نگاه برخی مسئولان امنیتی ارشد همچنان محل بحث و ابهام است. سیر ترورهای هدفمند اسرائیل آن دوره (شهید رئیسی، شهید هنیه، شهید شکر و نهایتا شهید نصرالله)، ضرورت بررسی همه جانبه فرضیه‌های مختلف درباره این واقعه را دوچندان می‌کند.

اسرائیل هم‌زمان با حمله نظامی، خرابکاری، نفوذ و اقدامات ضدامنیتی را با شدت دنبال می‌کند. در چنین میدان گسترده‌ای، عملکرد سازمان پدافند غیرعامل کشور و رئیس آن که حدود ۲۰ سال مسئولیت این سازمان را برعهده داشته، با انتقادهای جدی افکار عمومی مواجه است. به نظر می‌رسد کشور به بازنگری جدی در ساختار، اختیارات و مدیریت پدافند غیرعامل نیاز دارد.



دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سرلشکر محسن رضایی در مصاحبه با المیادین هشدار داد که هرگونه حماقت و حمله جدید آمریکا و رژیم صهیونیستی با پاسخی فرامنطقه‌ای مواجه خواهد شد

پایگاه‌های دوردست آمریکا را هم می‌زنیم

اظهارات صریح سرلشکر محسن رضایی درباره ممنوعیت خروج مواد غنی‌شده از کشور، پاسخ قاطع به هرگونه تجاوز تازه آمریکا و ضرورت پایان جنگ در تمام جبهه‌های منطقه، خط بطلانی بر فضاسازی‌های اخیر جریان مذاکره‌طلب کشید؛ جریانی که همزمان با جنگ روانی واشنگتن علیه بازار نفت، با انتشار پیام‌های مذاکره‌محور و طرح ادعاهای توافق محرمانه، عملاً در حال ارسال پالس‌های عقب‌نشینی به دشمن است.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در گفت‌وگو با شبکه المیادین مواضعی صریح درباره خطوط قرمز ایران در تحولات منطقه‌ای و به خصوص موضوع هسته‌ای اعلام کرد. رضایی تأکید کرد: «توقف درگیری‌ها باید تمام جبهه‌های غرب آسیا، به‌ویژه لبنان، را دربربگیرد و ایران در برابر هرگونه حمله نظامی تازه آمریکا پاسخ خواهد داد.» وی درباره احتمال ازسرگیری تجاوزات واشنگتن تصریح کرد: «هرگونه حمله جدید آمریکا با هدف قرار گرفتن پایگاه‌های نظامی این کشور، حتی پایگاه‌های دوردست آن، پاسخ داده خواهد شد.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین درباره پرونده هسته‌ای با صراحت اعلام کرد: «حتی ذره‌ای از مواد هسته‌ای غنی‌شده را از ایران خارج نخواهیم کرد.» وی افزود: «تهران به روسیه اطلاع داده است که مواد غنی‌شده در ایران باقی خواهد ماند و ایران خود از آنها استفاده خواهد کرد.» رضایی در توضیح نیاز کشور به این ذخایر نیز گفت: «ایران برای طراحی کشتی‌ها و زیردریایی‌هایی که با پیشرانه هسته‌ای کار می‌کنند، به مواد غنی‌شده نیاز دارد.» رضایی در بخش دیگری اظهار داشت: «اگر آمریکا به ما (کوه کلنگ) حمله کند پایگاه‌های فرامنطقه‌ای آنها را هم می‌زنیم.» وی افزود: «ما محدودیت‌های پیشین‌مان را برداشتیم و در صورت وقوع جنگ جدید این محدودیت‌ها را بیش از پیش لغو خواهیم کرد.

هر مکانی که هواپیماهای آمریکایی از آن برخیزند، آن را تهدیدی علیه خود تلقی خواهیم کرد؛ حتی ممکن است برخی پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای اروپایی را نیز هدف قرار دهیم؛ این موضوع را از همین حالا اعلام می‌کنیم تا فردا هیچ بهانه‌ای نداشته باشند. اگر هواپیماهای آمریکایی از یک پایگاه نظامی دوردست برخیزند و برای بمباران ایران بیایند، آن پایگاه را نیز هدف قرار خواهیم داد. ممکن است برخی جزایری را هدف قرار دهیم که تصور می‌کنند موشک‌های ما به آن‌ها نمی‌رسد»

اهمیت این موضع زمانی بیشتر می‌شود که آن را در کنار پروژه سنگین رسانه‌ای و دیپلماتیک طیف عاشقان مذاکره در دولت پزشکیان، وزارت امور خارجه و همراهان سیاسی آن، از جمله قالیباف، قرار دهیم؛ جریانی که با تمام توان در حال سوق دادن فضای سیاسی به سمت مذاکره و امتیازدهی است. چنین فضایی، فارغ از نیت اعلام‌شده طراحان آن، می‌تواند به ترامپ برای پایین آوردن بیشتر قیمت نفت، مدیریت تبعات جنگ و فراهم کردن شرایط مطلوب‌تر برای آغاز تجاوزی تازه علیه ایران کمک کند.

خودرأیی در برابر فرمان رهبری؟

در این میان، تناقض میان مواضع سرلشکر رضایی با ادبیات سیدعباس عراقچی، تیم وزارت خارجه و مواضع غیرعادی شخص مسعود پزشکیان، پرسش‌های جدی درباره آرایش تصمیم‌گیری در کشور و دوگانگی دولت با نظام ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد نوعی خودرأیی و بی‌اعتنایی به مواضع صریح رهبری در مواضع رئیس جمهور و تیم سیاست خارجی دولت قابل مشاهده است؛ رویکردی که در یک سال و نیم گذشته، از پیش از جنگ ۱۲ روزه تا جنگ ۳۹ روزه و تحولات پس از آن، هزینه‌های سنگینی بر کشور تحمیل کرده است.

پزشکیان و وزارت خارجه وی در تمام این مدت اختیارات گسترده‌ای برای پیگیری دیپلماسی در اختیار داشتند. حتی عقب‌نشینی‌های متعدد و امتیازاتی که پیش‌تر رهبر شهید نسبت به عواقب آن هشدار داده بودند، مانع از تجاوزات آمریکا نشد. نتیجه مذاکرات عراقچی و پیام‌های نسنجیده و ساده اندیشانه مسعود پزشکیان، نه تغییر محاسبات واشنگتن، بلکه تشدید زیاده‌خواهی و افزایش جسارت دشمن بود. آمریکا نه تنها از جنایت و تجاوز دست نکشید، بلکه هر بار پس از دریافت پالس‌های ضعف و انعطاف، در حمله به ایران مصمم‌تر شد.

با این حال، پزشکیان در هفته‌های اخیر ادعایی مطرح کرده که ضرورت دارد درباره انتساب آن به رهبری شفاف‌سازی شود. وی در این زمینه گفته است: «رهبری عزیز اختیاراتی مجدداً اضافه دادند در مورد موضوعاتی که نظرشان این بود و می‌گفتند درباره آن‌ها گفت‌وگو نشود، مذاکره شود.» اما رهبر انقلاب در پیام رسمی ۱۳ آبان، موضعی کاملاً روشن درباره هرگونه امید بستن به تغییر رفتار آمریکا از طریق امتیازدهی اعلام کردند. ایشان فرمودند: «اگر هنوز کسانی هستند که ... تصور می‌کنند با امتیاز دادن به آمریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.» رهبر انقلاب در ادامه تأکید کردند: «آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایه عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده برباد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.» این هشدار صریح، جای هیچ‌گونه تفسیر به رأی و برداشت جناحی باقی نمی‌گذارد.

مذاکرات محرمانه؛ تکرار مسیر پرهزینه گذشته

تحرکات پنهانی و ادعاهای رسانه‌ای درباره مذاکرات محرمانه نیز بخش دیگری از همین نگرانی‌هاست. شبکه سی‌ان‌ان مدعی شده ایران و آمریکا به‌طور محرمانه درباره توافقی حساس مذاکره می‌کنند که می‌تواند مانع بازگشت جنگ شود و زمینه مذاکرات گسترده‌تر را فراهم کند. همزمان، برخی فعالان رسانه‌ای مدعی قبول رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد توسط ایران سخن گفتند. در کنار این اظهارات، داده‌های فلایت‌رادار از سفر یک هواپیمای دولتی ایرانی به قطر و بازگشت آن به کشور در روزهای اخیر حکایت دارد. کنار هم قرار گرفتن این تحرکات، ادعاهای رسانه‌ای و مواضع مقام‌های دولتی، ضرورت شفاف‌سازی درباره دستور کار، سطح و چارچوب هرگونه ارتباط دیپلماتیک را دوچندان می‌کند.

باید توجه داشت دیپلماسی نباید به پوششی برای دور زدن خطوط قرمز نظام، خودرایی کودتاگونه و حاکمیت دوگانه، واگذاری مؤلفه‌های قدرت ملی و تکرار تجربه‌های شکست‌خورده تبدیل شود. موضع سرلشکر رضایی نشان داد که ذخایر هسته‌ای و توان بازدارندگی ایران قابل معامله نیست. اکنون نوبت دولت و وزارت خارجه است که به‌جای ارسال پیام‌های پنهانی و چند پهلو به واشنگتن و بازی در زمین جنگ روانی ترامپ، نسبت خود را با فرمان صریح رهبری روشن کنند.

از هشدار رهبری تا تحرکات پنهانی دولت

درحالی‌که رهبر انقلاب در پیام ۱۳ آبان صریحاً درباره خطر امتیازدهی به آمریکا و جری‌تر شدن دشمن برای جنگ‌های بعدی هشدار داده‌اند، اظهارات پزشکیان درباره مجوز مذاکره در موضوعات ممنوعه، مواضع متناقض عراقچی و ادعاهای رسانه‌ای درباره توافق محرمانه تهران و واشنگتن، پرسش‌های جدی درباره میزان پایبندی دولت به فرمان رهبری ایجاد کرده است؛ آن هم در شرایطی که تجربه سه دور فریب آمریکا باید برای همیشه به پایان دادن به این مسیر منجر می‌شد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

■ پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۸۴

یادداشت

در باب اپوزیسیون‌نمایی برخی مسئولان سابق!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در ویدیویی که به‌تازگی از محمد دادکان، رئیس اسبق فدراسیون فوتبال، در شبکه‌های معاند و تروریستی نظیر اینترنشنال منتشر شده است، او در برابر یک مجری نشسته و انتقادات تند و رادیکال، اما سخیفی را علیه جمهوری اسلامی مطرح می‌کند؛ انتقاداتی که جز تهیه خوراک برای معاندین، حاصل دیگری ندارد. ما در این یادداشت قصد نداریم به انتقادات امثال دادکان پاسخ بدهیم؛ بلکه مقصودمان این است که نشان دهیم محمد دادکان که امروز این چنین بی‌رحمانه علیه کشور موضع می‌گیرد، زمانی در همین حاکمیت، مسئولیت اجرایی و مدیریتی در حوزه فوتبال داشته است. پرسش اینجاست که او در دوران حضورش در ساختار جمهوری اسلامی چه دستاوردی داشت؟

دادکان بهترین تیم تاریخ فوتبال ایران را از نظر برخورداری از مهره‌های باکیفیت در اختیار داشت؛ اما دستاورد آن تیم پراز لژیونر، کسب رتبه چهارم در گروه خود در جام جهانی ۲۰۰۶ بود. تیم ملی در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴ نیز به مقام سومی رسید؛ مقامی که پیش از آن بارها کسب کرده بودیم و پس از آن هم تکرار شد. بزرگ‌ترین مشکل تیم ملی در دوران مدیریت دادکان، بازیکن سالاری بود؛ فضایی که در آن هر بازیکنی ساز خودش را می‌زد و او نتوانست آن را مدیریت کند. برای مثال، در مرحله گروهی جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴، دو بازیکن ایران در جریان بازی با عمان به صورت یکدیگر سیلی زدند و حیثیت فوتبال ایران را در برابر دوربین‌ها خدشه‌دار کردند. در جام جهانی ۲۰۰۶ نیز برکسی پوشیده نیست که چه اتفاقاتی رخ داد. دعواها و اختلافات بازیکنانی مانند علی دایی و علی کریمی چه آسیب‌هایی به تیم ملی وارد کرد و در نهایت، تنها امتیاز ایران در آن رقابت‌ها مقابل آنگولا به دست آمد.

همین محمد دادکان، سال‌ها بعد، یکی از گزینه‌های جدی تصدی وزارت ورزش در دولت حسن روحانی بود. باید از ایشان پرسید که حسن روحانی از مریخ آمده بود یا دولتی در ساختار جمهوری اسلامی را اداره می‌کرد؟ چگونه می‌شود هم به دنبال پست و مقام بود و هم وقتی چیزی عایدتان نشد، در بشقابی که سال‌ها از آن غذا خورده‌اید، قی کنید؟

شما که در یکی از بهترین دوره‌های فوتبال ایران دستاورد قابل توجهی نداشتید، چگونه می‌توانید بی خبر از همه جا، مشتی انتقادات سطحی و صدمن یک غاز را حواله نظام جمهوری اسلامی کنید؟ اتفاقاً مشکل جمهوری اسلامی مدیرانی چون خود شما هستند؛ بی‌لیاقت‌هایی که وقتی صاحب پست و مقام‌اند، اقدام مثبتی انجام نمی‌دهند و وقتی از دایره قدرت خارج می‌شوند، به لجن پراکنی روی می‌آورند. این فقط مشکل دادکان نیست. همان مجری‌ای که در برابر دادکان نشسته و در صفحه اینستاگرام خود، از اذان صبح تا نیمه‌شب علیه کشور لجن پراکنی می‌کند، سال‌ها در روزنامه همشهری، یعنی روزنامه متعلق به یکی از رسمی‌ترین ارگان‌های کشور، قلم زده و حقوق گرفته است؛ اما وقتی هزینه لجن پراکنی‌هایش را با اخراج پرداخت کرد، رفتار رادیکال‌تری در پیش گرفت.

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، جمهوری اسلامی قطعاً مشکلات زیادی دارد؛ اما انتقاد از این مشکلات به امثال شما نمی‌رسد که امروز فیگور منتقد به خود گرفته‌اید. شما باید درباره عملکرد خودتان پاسخ‌گو باشید و توضیح بدهید که در دوران مسئولیتتان چه کردید.

چرا مستندها و فیلم‌هایی که درمورد فلسطین و غزه ساخته می‌شوند، نماینده تام و تمام این کشور نیستند؟

جایزه‌ات را بگیر و ساکت شو!

سینمای مستند فلسطین در سال‌های اخیر با آثاری چون نازا و سرزمین دیگری نیست توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. البته باید درنظر داشت که این فیلم‌ها تلاش می‌کنند رنج روزمره مردم غزه و کرانه باختری را به تصویر بکشند، اما این همه موضوع نیست. جشنواره‌های بین‌المللی از این آثار استقبال شایانی به عمل آورده‌اند تا به‌زعم خود صدای مظلومان را به گوش مخاطبان غربی برسانند و در همین راستا، مستندهایی نظیر پنج دوربین شکسته و شهرک‌نشینان گام‌های موردنظر را برای تعریف در اکوسیستم جشنواره‌ها برداشته‌اند و قصدشان ورود به مسئله خشونت نظامیان صهیونیست است. با این حال نگاه دقیق‌تر به این آثار نشان می‌دهد که روایت آن‌ها از منازعه دارای چارچوب‌های مشخصی است. این فیلم‌ها در نهایت به جای ریشه‌یابی کامل فاجعه به دنبال ارائه راه‌حل‌های دیپلماتیک هستند و همین رویکرد باعث شده تا انتقاد آن‌ها از ماهیت استعماری رژیم صهیونیستی در هاله‌ای از ابهام باقی مانده و نتوانند فراتر از مرزهای پذیرفته‌شده در محافل غربی حرکت کنند.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

مستند نازا روایتی تکان‌دهنده از زندگی و مقاومت روزمره فلسطینیان است که با زبانی هنری و تأثیرگذار توانسته توجه منتقدان بین‌المللی را به خود جلب کند. این اثر با نمایش تلاش‌های مردم در برابر تخریب خانه‌هایشان و یورش‌های مداوم شهرک‌نشینان افراطی تصویری عریان از آپارتاید ارائه می‌دهد. در سوی دیگر پنج دوربین شکسته نیز با لنزهای خردشده‌اش مقاومت مسالمت‌آمیز روستای بودروس را ثبت کرده است. این آثار سینمایی بدون شک ارزشمند هستند و جنایات روزمره را افشا می‌کنند. دوربین‌ها آوارگی و محاصره و تحقیر روزانه را ثبت می‌کنند تا وجدان جهانی را بیدار نگه دارند. اما در پس این تصاویر دردناک یک غیبت بزرگ احساس می‌شود.

غیبت نقد رادیکال و بنیادین از ایدئولوژی صهیونیسم. سازندگان این مستندها ترجیح می‌دهند اشغالگری را یک انحراف یا یک خطای سیاست‌مداران بدانند نه یک پروژه استعماری طراحی‌شده از همان ابتدا. آن‌ها به جای مواجهه با ریشه‌های فکری این رژیم به توصیف عوارض جانبی آن بسنده می‌کنند. این رویکرد در سینمای مستند جهان بازتاب‌دهنده یک چارچوب لیبرال و غربی است. نهادهای غربی آثاری را می‌پذیرند که درون مرزهای امن دیپلماسی حرکت کنند، زیرا ایده دو دولت به عنوان یک راه‌حل مسالمت‌آمیز و منطقی در این آثار ترویج می‌شود. فیلم‌سازان تصور می‌کنند با ترسیم مرزهای سال ۱۹۶۷ و تقسیم سرزمین می‌توانند به عدالت و همینطور احقاق حقوق خود دست یابند.

آن‌ها فراموش می‌کنند که این ایده دو دولتی یک طرح تحمیلی و دروغین بوده که هرگز قابلیت اجرا نداشته است. رژیم صهیونیستی هرگز اجازه تشکیل یک دولت فلسطینی مستقل و دارای حاکمیت واقعی را نخواهد داد. با وجود این مستندسازان لیبرال همچنان بر طبل این ایده توهمی می‌کوبند تا شاید توجه جهانیان را به میز مذاکره و قبول شرایط جنایتکاران صهیونیست به سرکردگی نتانیاهو تن دهند.

آن‌ها از بیان این واقعیت ساده هراس دارند که موجودیت ساختار رژیم بر پایه پاکسازی قومی و اشغالگری بنا شده و نگاه غربی به این آثار همواره بدون عینک لیبرالیسم اساسا ممکن نیست. در واقع آن‌ها می‌خواهند فلسطینیان را مظلوم و اسرائیلی‌ها را گاهی پشیمان نشان دهند. این دوگانه‌سازی اخلاقی از مواجهه با یک حقیقت بزرگ فرار می‌کند. حقیقتی که می‌گوید کل پروژه صهیونیسم بر پایه نسل‌کشی و غصب سرزمین بنا شده است. مستندسازان غربی و حتی برخی روشنفکران بومی ترجیح می‌دهند از واژگانی نظیر تضاد و منازعه و اشغال استفاده کنند و اصل مسئله را نادیده بگیرند. القصه، آن‌ها از به کار بردن کلماتی چون استعمار و آپارتاید ساختاری و پاکسازی قومی پرهیز می‌کنند. دلیل این عدم صراحت در نقد رژیم صهیونیستی ترس از برچسب افراط‌گرایی و از دست دادن مخاطب عام است. چون می‌دانند وقتی یک فیلم‌ساز وارد حوزه نقد صهیونیسم شود با طوفانی از اتهامات و سانسور مواجه خواهد شد و حتی ممکن است به راحتی بایکوت شود.

به همین دلیل آن‌ها ترجیح می‌دهند جنبه‌های انسانی اشغالگر را نیز به تصویر بکشند و او را قربانی شرایط بدانند. در نهایت این مستندها با ترویج ایده دروغین دو دولتی ناخواسته به مشروعیت بخشی به اصل وجود این رژیم کمک می‌کنند. آن‌ها به جای دعوت به استعمارزدایی کامل و بازگشت به حقوق حقه مردم بومی به دنبال اصلاحات جزئی درون یک ساختار معیوب و غاصب هستند و همین محافظه‌کاری ایدئولوژیک مانع از تبدیل شدن این آثار به سلاحی کارآمد در خدمت رهایی بخشی فلسطین می‌شود. فیلم‌سازان از ترس برچسب افراط‌گرایی از این مرز سرخ عبور نمی‌کنند و عدالت را قربانی مصلحت‌اندیشی می‌سازند.

یادداشت

تا ابد بدهکار پرچم ایران هستید!

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

واکنش اخیر عادل فردوسی‌پور به انتقادها درباره بلند نشدن هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی در مراسم تشییع حمید علیدوستی، از خود آن اتفاق قابل تأمل‌تر است. فردوسی‌پور در برنامه فوتبال ۳۶۰ از ناراحتی خود بابت اتهام‌هایی نظیر وطن‌فروشی و ضدایرانی بودن سخن گفته و در دفاع از خود به پیشنهادهای چندمیلیون‌دلاری خارجی، ماندن در ایران، تدریس در دانشگاه شریف و تلاش برای حفظ نخبگان در کشور اشاره کرده است. اما پرسش اصلی اینجاست: چه کسی از او درباره پیشنهادهای خارجی پرسیده بود؟

انتقادها درباره یک رفتار مشخص بود، اما پاسخ فردوسی‌پور به جای روشن کردن همان رفتار، به دفاع از کارنامه حرفه‌ای و اثبات وطن‌دوستی شخصی تغییر مسیر داد. گویی چون پیشنهادهای مالی خارجی را نپذیرفته و در ایران مانده، دیگر کسی حق ندارد درباره رفتارش در برابر یک نماد ملی سؤال کند. این استدلال، حتی اگر تمام ادعاهای مطرح‌شده درباره پیشنهادهای خارجی را بپذیریم، پاسخ پرسش اولیه نیست. ماندن در ایران ارزشمند است، اما نمی‌تواند به مصونیت از نقد تبدیل شود.

فردوسی‌پور در ادامه می‌گوید وطن‌پرستی و ایران‌دوستی متعلق به قشر خاصی نیست. این گزاره درست است، اما نتیجه‌ای که از آن می‌گیرد محل بحث است. اتفاقاً چون وطن متعلق به همه ایرانیان است، رفتار چهره‌های شناخته‌شده در برابر نمادهای مشترک نیز می‌تواند موضوع پرسش عمومی باشد. نقد یک رفتار به معنای انحصاری کردن وطن‌دوستی نیست. کسی هم که درباره این رفتار سؤال می‌کند، لزوماً مدعی مالکیت انحصاری مفهوم وطن نیست.

در این میان علی دایی نیز کنار فردوسی‌پور قرار می‌گیرد. دایی که سال‌ها با پیراهن تیم ملی و بازوبند کاپیتانی نماینده ایران بوده، در این ماجرا با پرسش مشابهی مواجه شده است. البته میان این دو تفاوتی وجود دارد: فردوسی‌پور دست‌کم در برابر انتقادها موضع گرفته و توضیح داده، اما پاسخ او همچنان پرسش اصلی را بی‌پاسخ گذاشته است. درباره دایی نیز سکوت در برابر پرسش‌های عمومی، جای توضیح را نمی‌گیرد.

مسئله نه پیشنهادهای خارجی است، نه تعداد سال‌های اقامت در ایران و نه افتخارات فوتبالی. مسئله نسبت میان اعتبار اجتماعی و مسئولیت عمومی است. فردوسی‌پور و دایی سال‌ها از اعتماد و علاقه مردم سرمایه اجتماعی ساخته‌اند. این سرمایه، امتیازی برای فرار از پرسشگری نیست. وطن را نمی‌توان به قلک اعتبار شخصی تبدیل کرد و هرگاه درباره رفتاری سؤال شد، به موجودی آن قلک اشاره کرد. آقای فردوسی‌پور! کسی از شما نخواست برای اثبات ایرانی بودن، رزومه‌تان را ارائه کنید. سؤال درباره یک رفتار مشخص بود. پاسخ هم بهتر بود درباره همان رفتار باشد.

«فرمانده هرمز»؛ روایتی از راهبرد دریایی شهید تنگسیری



مستند «فرمانده هرمز» تازه‌ترین محصول گروه مستند بنیاد فرهنگی روایت فتح است که با تمرکز بر دوران فرماندهی دریابان شهید علیرضا تنگسیری، به سراغ بخشی از تاریخ نظامی نیروی دریایی سپاه پاسداران رفته است. این اثر به کارگردانی داوود مرادیان، اکنون آماده نمایش شده و قرار است روایتی از رخدادهای نظامی این دوره و شیوه مقابله شهید تنگسیری با ایالات متحده آمریکا ارائه کند.

یکی از محورهای اصلی این مستند، بررسی سیاست‌ها و راهبردهای رهبر شهید انقلاب اسلامی برای تقویت نیروی دریایی سپاه است. متحرک‌سازی یگان‌های دریایی، اقیانوسی‌شدن و بهره‌گیری از امکان بستن تنگه هرمز به‌عنوان یک ظرفیت دفاعی در برابر تهدیدهای فرامنطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، از جمله موضوعاتی است که در این اثر به آن پرداخته می‌شود. نویسندگی و کارگردانی «فرمانده هرمز» را داوود مرادیان برعهده داشته و میثم کریمی نیز تهیه‌کننده این مستند است. بشیر ادهمی و رضا دشتی مدیران تولید، حسین قنبری و علی حیدری مدیران تصویربرداری، ارمیا مرادیان تدوینگر و محمد پارسانی صداگذار اثر هستند.

این مستند برای حضور در بیستمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت درخواست شرکت داده است.